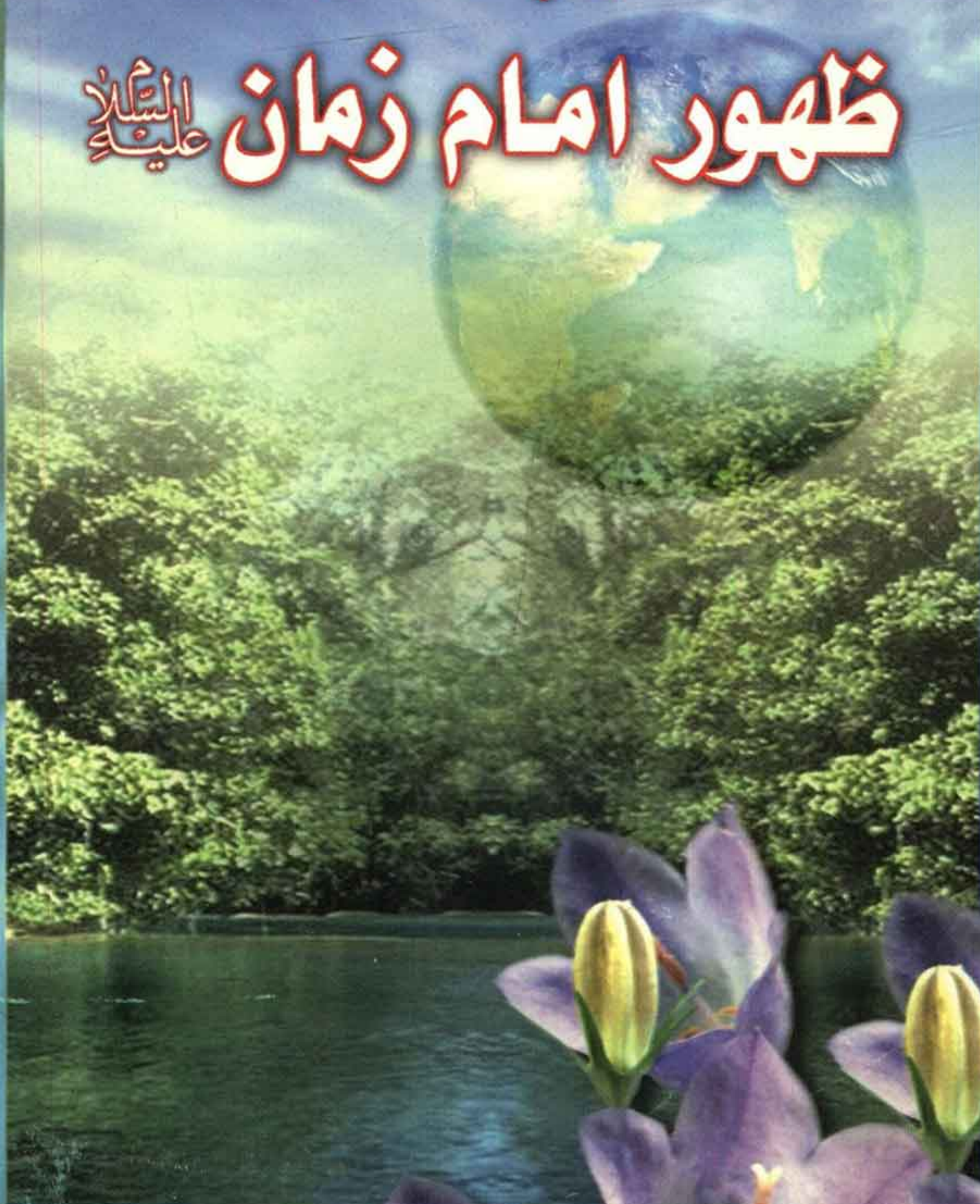


شگفتی‌ها و عجایب دنیا

در بعد از

ظهور امام زمان علیه السلام



شگفتی‌ها و عجایب دنیا

در بعد از ظهور

امام زمان علیه السلام

(به همراه اوصاف و ویژگی‌های خاص آن حضرت)



شگفتی‌ها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان علیه السلام

تألیف / محدث نوری

تنظیم و ساده نویسی / واحد تحقیقاتی گل نرگس (عج)

ناشر / شمیم گل نرگس

نوبت چاپ / دوّم (اول ناشر)

تاریخ چاپ / تابستان ۸۱

طرح جلد / الزهراء

چاپ / باقری

تیراژ / ۵۰۰۰ جلد

قیمت / ۵۵۰ تومان

شماره شابک: ۹۶۴-۹۴۰۷۳-۵-۹

قم - ص پ: ۳۸۹۱ / ۳۷۱۸۵ تلفن: ۷۷۴۴۰۸۳ - ۰۲۵۱

WWW.GOLENARJES.COM

E-mail: Golenarjes@Ayna.com



بسمه تعالی

یکی از وظایف مسلمین در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، گسترش نام و یاد آن حضرت می باشد. بر این اساس و در راستای تحقق بخشیدن به این هدف، ابزارهای فرهنگی سهم عمده‌ای را دارا می باشند که نشر و پخش کتاب یکی از این ابزارها می باشد.

ما به حول و قوه الهی سعی داریم با استفاده از امکانات محدود خود در زمینه آگاهی بخشیدن به مسلمانان و بلکه تمام مردم جهان پیرامون وجود مقدس امام زمان علیه السلام و زنده کردن یاد آن حضرت در اذهان مردم تلاش نمائیم.

به این امید که تمام جهانیان به وجود حضرت ایمان بیاورند و با رشد فکری و اصلاح خویشتن، خود را آماده ظهور امام زمان علیه السلام نمایند و بدین وسیله، سعادت درک بهشت دنیایی این جهان یعنی زندگی در زمان دولت حقه امام زمان علیه السلام را پیدا کرده و سعادت دنیا و آخرت را کسب نمایند.

واحد تحقیقاتی گل نرگس (عج)

مقدمه مؤلف:

این (کتاب) در بیان ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) و مقایسه آن با تمام انبیاء و اوصیاء - صلوات الله علیهم - و سلسله بلند مرتبه، غیر از بعضی از اجداد پاک و مطهر خود علیهم السلام می‌باشد.

اگر چه شرح آن از قوه بیان خارج است ولی حضرت مهدی (عج) کسی است که خداوند متعال، مژده ظهور ایشان را به تمام انبیاء خود، از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم داده است.

خلاصه آنکه خداوند متعال چنین شخصی بزرگواری را در خزانه قدرت خود محفوظ داشته تا در پایان روزگار (آخر الزمان)، زمانی که همه انبیاء و اولیاء الهی از رسالت خویش فارغ می‌شوند و کفر و حکومت شیطان، همه جا را فرا می‌گیرد، ایشان را ظاهر سازد و اسباب سلطنت و ریاست را

برای ایشان مهیا فرموده که تمام جهان را مسخر کند و همهٔ جهانیان را هدایت نماید و در هیچ سرزمینی، جایی نمی‌ماند، مگر آنکه صدای «لا اله الا الله» در آنجا بلند شود و همه به یگانگی خداوند ایمان آورند تا اینکه خداوند تمامی حجتهای خود را در آنجا ظاهر سازد.

البته چنین ریاست بزرگی نیازمند وسایل و امکاناتی است و استعداد و قابلیت می‌خواهد که عظمت و بزرگیشان، به اندازهٔ این کار بزرگ و خدمت برجسته باشد، زیرا که این ریاست به شخص بزرگواری چون حضرت مهدی (عج) واگذار شده و به ایشان اختصاص دارد.

پس تمام مقدمات آن باید در حدّ و مرتبهٔ بالایی باشد، چرا که کم و کیف و قدر و منزلت آن را هیچکس جز خداوند با عظمت نمی‌داند و آنرا درک نمی‌کند، همچنانکه در دعای ندبه آمده است: «بنفسی انت من عقید عزّ لایسامی»^۱

خداوند بگونه‌ای، بزرگی و عظمت ایشان را مقرر کرده

۱ - «یعنی: به جانم قسم که تو دارای عزّتی هستی که برتری و

است که هیچ اندیشه و تفکری نمی‌تواند به نهایت بزرگی و جایگاه عظیم آن، راه پیدا کند.

نعمانی در کتاب «غیبت»، از کعب الأخبار روایت کرده است که: «خدای تعالی، هر آنچه را که به پیامبران داده، به ایشان زیادتر می‌دهد و وی را نسبت به دیگران برتری می‌دهد.»

حسین طبرسی نوری

امتیاز نور و سایه و شبخ امام زمان علیه السلام

در کتاب «غیبت» از شیخ جلیل فضل بن شاذان به دو سند آمده است که عبدالله بن عباس گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «وقتی به معراج رفتم و آسمانها را سیر کردم به سدره المنتهی رسیدم، از جانب خداوند ندا آمد که: «ای محمد!»

گفتم: «لَبَّيْكَ؛ لَبَّيْكَ ای پروردگار من!»

خداوند عالم فرمود: «ما هیچ پیغمبری را بر اهل دنیا نفرستادیم تا روزهای زندگی و نعمت او پایان یابد مگر آنکه دعوت خود را به انجام برساند و برای هدایت مردم پس از خود وصی و جانشینی را قرار دهد تا از دین او نگهداری کند و ما حضرت علی علیه السلام را جانشین تو و امام امت تو قرار داده و پس از او حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد

بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجة بن الحسن علیه السلام قرار دادیم؛ حال ای محمد! سرت را بالا کن.»
چون سرم را بالا کردم، نورهای علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین را دیدم و حجت (حضرت مهدی علیه السلام) را در میان آنها دیدم که همچون ستاره‌ای می‌درخشید.

خدای تعالی فرمود: «این‌ها، جانشین و حجتهای من در روی زمین و نیز جانشین و اوصیایت بعد از تو هستند. خوشا به حال کسی که با آنها دوستی کند و وای بر کسی که با آنها دشمنی نماید.»

شیخ جلیل، ابوالحسین بن محمد بن احمد بن شاذان در کتاب «ایضاح دفاين التواصب» و احمد بن محمد بن عیاش در کتاب «مقتضب الاثر» از ابی سلیمان که چوپان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود روایت کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «شبی که مرا بسوی آسمان بردند، خداوند جلّ جلاله فرمود: «من، تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و اولاد او را از اصل نوری از نور خودم آفریدم. ای محمد! آیا دوست داری که ایشان را ببینی؟»

گفتم: «بلی! ای پروردگار من»

خداوند فرمود: «به سمت راست عرش، نگاه کن.»

چون نگاه کردم، علی و فاطمه و بقیّه تا حسن بن علی را دیدم که در میان مکانی از نور ایستاده بودند و نماز می‌خواندند و در میان آنها حضرت مهدی (عج) مانند کوکب درخشنده‌ای در حال درخشیدن بود.»

پوشیده نماند که اختلاف مضمون روایاتی که در مورد معراج است بخاطر اختلاف مضمون خبر نیست بلکه به سبب متعدّد بودن روایت کنندگان است، بعضی از اخبار حفظ و بعضی فراموش شده‌اند و بعضی دیگر هم از بین رفته‌اند و این مضامین حمل بر تعداد معراج رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز هست که در همه آنها به امر ولایت تأکید شده است چنان که در کتاب «خصال» نوشته صدوق قدس سره روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ۱۲۰ مرتبه به معراج بردند و در همه مراتب هم خدای تعالی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به دوستی و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام سفارش می‌کرد و حتی زیادتراً از دیگر فرایض سفارش می‌فرمود.

در کتاب «مقتضب» روایت دیگری از حضرت باقر علیه السلام در ذکر ائمه علیهم السلام در شب معراج و دیدن انوار ایشان روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «علی و دیگر ائمه تا حسن بن علی علیهما السلام را دیدم و حضرت حجة (عج) در میان آنها چون ستاره‌ای درخشان بود.

گفتم: «ای پروردگار من! اینها کیستند؟»

فرمود: «اینها ائمه‌اند و این قائم است که در دنیا حلال مرا حلال می‌کند و حرام مرا حرام و از دشمنان من انتقام می‌گیرد. ای محمد! او را دوست بدار و دوستدار کسی باش که او را دوست دارد.»

شرافت نسب امام زمان علیه السلام

بحث دوم: شریف بودن نسب امام زمان (عج) است. زیرا حضرت مهدی (عج) شرافت نسب همه آباء طاهرین خود را دارا است و نسبش از طرف مادر به قیصر روم و به جانب شمعون صفاء، جانشین حضرت عیسی علیه السلام می‌رسد. پس در این سلسله بسیاری از انبیاء و اوصیاء داخل می‌شوند که نسب همه آنها به شمعون می‌رسد.

بردن امام زمان علیه السلام در روز ولادت به سراپرده عرش

بحث سوّم: بردن آن حضرت در روز ولادت به سراپرده

عرش است و خطاب خداوند تبارک و تعالیٰ به او که:

«آفرین به تو ای بنده من! که برای نصرت دین من و

اظهار امر من و هدایت بندگان من آمده‌ای.

قسم خوردم که بوسیله تو بگیرم و بوسیله تو عطا کنم و

توسط تو پیامرزم و توسط تو عذاب کنم.»

دارابودن خانهای به نام بیت الحمد

چهارم: بیت الحمد، چنانچه نعمان و مسعودی و دیگران از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود:
«از برای حضرت حجّة علیه السلام، خانهای می‌باشد که به آن بیت الحمد می‌گویند. در آن چراغی هست که از روزی که متولد شده روشن است تا روزی که خروج کند و با شمشیر هم خاموش نمی‌شود.»

جمع میان کنیه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اسم مبارک آن حضرت
پنجم: جمع میان کنیه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اسم مبارک آن
حضرت است، و در «مناقب» روایت است که
حضرت مهدی (عج) فرمود: «اسم مرا بگذارید و کنیه مرا
نگذارید.»

حرمت بردن نام امام زمان علیه السلام

ششم: حرمت نهادن به نام آن حضرت، چنانچه گذشت.^۱

آخرین وصایت حجت در روی زمین

هفتم: در روی زمین، وصایت به حضرت مهدی علیه السلام
ختم می‌گردد.

۱ - این بحث در کتاب «نجم الثاقب»، ذکر شده است.

سپرده شدن به روح القدس

هشتم: غیبت حضرت مهدی علیه السلام از همان روز ولادت و سپرده شدن به روح قدسی و تربیت شدن آن حضرت در عالم نور و فضای قدسی که هیچ چیزی از اجزای آن به پلیدی‌ها و کثافات و گناههای بنی آدم و شیاطین آلوده نشده و همنشینی و مؤانست آن حضرت با ارواح قدسی و فرشتگان درگاه خداوند می‌باشد.

معاشرت و همنشینی نکردن با کفار و منافقین و اهل فسق

نهم: معاشرت و مصاحبت نداشتن با کفار و منافقین و اهل فسق، و خوف نداشتن و تقیّه و مدارا نکردن با آنها و دوری کردن از آنها و هم منزل نشدن با آنها است.

همه حجّتهای خداوند پیش از بعثت و بعد از آن، در ایّام عزلت و غیبت خود با کفار و منافقین و اهل فسق دوستی و یا دشمنی می‌کردند و حتّی با یکدیگر ازدواج می‌کردند و در ماه رمضان افطار می‌کردند و امثال این مصیبت‌ها را دیدند ولی خداوند متعال این حجّت گرامی خود را از همه آنها نگاه داشت بطوری که از روز ولادت تا کنون دست ظالمی به او نرسیده و با هیچ کافر و منافقی، مصاحبت و همنشینی نکرده است. خود را از منازل آنها دور ساخته و بخاطر خوف یا مدارا، از حقّی دست نکشیده است و از طرفی همدم و انیسی مثل خضر داشته و خدمتگزارانش افراد خاصّ بوده‌اند.»

خلاصه اینکه کوچکترین غباری از کردار و رفتار
ناشایست نامردان بر گردنش ننشسته و هیچ خاری از
خارستان بیگانگان به دامانش نرسیده است. «ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ
يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ»^۱

۱ - سورة مائده آیه ۵۴ «یعنی: این فضل خداوند است که به هر کس که
بخواهد می‌دهد.»

نبودن بیعت احدی از ستمگران بر گردنش

دهم: بیعت هیچ ستمگری بر گردن او نیست. چنانکه در کتاب «اعلام الوری» از حضرت امام حسن علیه السلام روایت شده که فرمود: «احدی از ما نیست مگر آنکه بیعتی از سرکشان زمان او بر گردنش باشد، مگر قائمی که روح الله، عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌خواند.»

در کتاب «کمال الدین» از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «حضرت مهدی علیه السلام بعد از ولادتش در غیبت فرو می‌رود تا اینکه بیعتی بر گردن او نباشد و زمانی که قیام می‌کند، خداوند عزوجل در یک شب، تمام کارهای او را اصلاح می‌کند.»

و نیز حسن بن فضال از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «گویا شیعه را می‌بینم که در وقت مفقود شدن چهارمین فرزند من، او را جستجو می‌کند اما او را نمی‌یابند.»

گفتم: «چرا ای فرزند رسول خدا؟»

فرمود: بخاطر اینکه امام آنها از آنها غایب می‌شود.»

گفتم: «چرا غایب می‌شود؟»

فرمود: «برای اینکه بیعتی بر گردن او نباشد تا زمانی که با

شمشیر قیام کند.»

داشتن علامتی مانند علامت ختم نبوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

یازدهم: داشتن علامتی در پشت کمر ایشان است مثل علامتی که بر پشت مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که به آن ختم نبوت می‌گفتند.

القاب متعدّد حضرت مهدی عجل الله فرجه

دوازدهم: القاب متعدّدی به حضرت مهدی عجل الله فرجه اختصاص داده شده که در کتب آسمانی و روایات معراج، از سایر اوصیاء علیهم السلام ذکر شده است.

ظهور نشانه‌های عجیب و غریب آسمانی و زمینی

سیزدهم: ظهور نشانه‌های آسمانی و زمینی برای ظهور شادمانه حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد که این آیات و نشانه‌ها برای تولد و ظهور هیچ حجّتی منظور نشده است.

در کتاب «کافی» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که این آیه را فرمودند: «سُرِیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْاَفَاقِ وَ فِی اَنْفُسِهِمْ حَتّٰی یَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ»^۱

و در تفسیر آن به آیات و نشانه‌های قبل از ظهور آن حضرت و قیام ایشان اشاره شده است.

و فرمود که: «آن مسئله، از نزد خداوند عزّوجلّ حقّ است که خلق آن را می‌بینند و حتماً آن جناب خروج خواهد کرد.»

۱ - سورة فصلت آیه ۵۳ «یعنی: بزودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانسان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حقّ است.»

و آن آیات و نشانه‌ها بسیار است و ذکر کرده‌اند که نزدیک به چهار صد نشانه می‌رسد و در کتاب «غیبت» بعضی از آنها ثبت شده است.

یکی از این نشانه‌ها، سُرخ‌ی آسمان است که در بسیاری از روایات نیز آمده است و به روایت نعمانی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که: «آن سرخی، اشک چشم حاملان عرش بر اهل زمین است.»

ندای آسمانی با اسم حضرت حجت علیه السلام همزمان با ظهور

چهاردهم: نزدیک ظهور آن حضرت ندای آسمانی به اسم آن جناب به گوش می‌رسد، چنانکه علی بن ابراهیم در تفسیر آیه شریفه «واستمع یوم یناد المناد من مکان قریب»^۱، از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «منادی به اسم قائم و اسم پدرش ندا می‌کند.»

و در قرآن نیز آمده که: «یوم یسمعون الصیحة بالحق ذلک یوم الخروج»^۲، فرمود: «فریاد قائم علیه السلام است.»

در کتاب «کمال الدین» از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «منادی از آسمان ندا می‌کند که فلان بن فلان

۱ - سوره ق آیه ۴۱ «یعنی: گوش فرا دار روزی که منادی از مکانی نزدیک، ندا کند.»

۲ - سوره ق آیه ۴۲ «یعنی: روزی که می‌شنوند فریاد را به راستی که این روز، روز خروج است.»

امام است؛ و نام او را می‌برد.»

و نیز در آنجا «زراره» از امام صادق علیه السلام روایت است که

فرمود: «منادی به اسم قائم علیه السلام ندا می‌کند.»

گفت: «پرسیدم آیا این ندا برای افراد خاصی است یا برای

عموم مردم است؟»

فرمود: «برای عموم مردم است و هر قومی به زبان

خودش می‌شنود.»

در کتاب «غیبت» نعمانی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده

است که فرمود: «منادی از آسمان ندا می‌کند که: ای گروه

مردم! امیر شما فلان است و آن مهدی است که زمین را

آنگاه که از ظلم و ستم پر شده، از عدل و داد پر می‌کند.»

در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام روایت شده که در

حدیثی طولانی به جابر فرمود: «اگر این نشانه‌ها بر شما

مشتبه شد، صدایی که از آسمان به اسم او و به امر او می‌آید

بر شما مشتبه نخواهد شد.»

در کتاب «غیبت» نعمانی از آن حضرت روایت است که

می‌فرمود: «منادی از آسمان به اسم قائم علیه السلام ندا می‌کند و

کسی که در مشرق و مغرب است می‌شنود و از ترس این صدا، خوابیده‌ای نمی‌ماند مگر اینکه بیدار می‌شود و ایستاده‌ای نمی‌ماند، مگر اینکه می‌نشیند و نشسته‌ای نمی‌ماند، مگر اینکه می‌ایستد.»

و فرمود که: «آن صدا از جبرئیل است و این واقعه در شب جمعه، بیست و سوم ماه رمضان رخ می‌دهد.»
اخبار بسیار زیادی در این زمینه وجود دارد بطوری که این روایات از حدّ تواتر هم گذشته و همه آنها این موضوع را از واجبات و امری لازم دانسته‌اند.

شیخ طوسی در کتاب «غیبت» خود از سیف بن عمیره روایت کرده است که گفت: نزد منصور بودم، شنیدم که می‌گفت: «ای سیف بن عمیره! چاره‌ای نیست از منادی که به اسم مردی از فرزندان ابیطالب، از آسمان ندا کند.»
گفتم: «یکی از مردم نیز این را روایت کرده است.»
گفت: «قسم به آن که جانم در قبضه قدرت اوست، گوشم شنید که می‌گفت: «منادی به اسم مردی از آسمان ندا می‌دهد.»

«گویا عجم را می‌بینم که خیمه‌های ایشان در مسجد کوفه است، قرآن را چنانکه نازل شده به مردم آموزش می‌دهند.»

نیز از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «والله! گویا بسوی آن حضرت نظر می‌کنم (یعنی حضرت قائم) و می‌بینم که از مردم بر کتابی جدید بیعت می‌گیرد.»

شیخ طبرسی در کتاب «احتجاج» از ابوذر غفاری روایت کرده که: وقتی رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم وفات کرد، علی علیه السلام قرآن را جمع آوری کرد و آن را نزد مهاجرین و انصار آورد و آن قرآن را بر آنها عرضه داشت، بخاطر اینکه پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم به او این چنین وصیت کرده بود.

وقتی ابوبکر آن را باز کرد، صفحه اول آن که در مورد فضایح قوم بود آمد، پس عمر بلند شد و به حضرت علی علیه السلام گفت: «یا علی! آن را ببر که ما به آن نیازی نداریم.»

پس حضرت آن را گرفت و برگشت. تا اینکه می‌گوید:

وقتی عمر خلیفه شد از آن حضرت خواست که آن قرآن را به او

۱ - تذکر این نکته ضروری است که بنابر نظر اکثر علماء، در قرآن هیچ تحریفی صورت نگرفته است و قرآن مورد نظر در اینجا، تفاسیر واقعی قرآن بوده است که پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم آنها را به حضرت علی علیه السلام تعلیم فرمود.

گُند شدن و از سرعت افتادن حرکت سریع افلاک

پانزدهم: گُند شدن و از سرعت افتادن حرکت سریع افلاک است. چنانکه شیخ مفید، از ابی بصیر و از از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که حضرت در حدیثی طولانی در سیر و سلوک حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: «حضرت قائم (عج) بر این سلطنت هفت سال درنگ می‌کند و مقدار هر سال از این هفت سال به اندازه ده سال شماسست، آنگاه خداوند آنچه را که می‌خواهد، انجام می‌دهد.»

گفتم: «فدای تو شوم! چگونه هر سال این همه مدّت پیدا می‌کند؟»

حضرت فرمود: «خداوند فلک را به درنگ کردن امر می‌فرماید و به همین خاطر روزها و سالها طول می‌کشد.»

گفتم: «ایشان می‌گویند اگر فلک تغییر پیدا کند، عالم نابود می‌شود.»

حضرت فرمود: «این سخن زناده است، اما برای مسلمانان در این سخن، شک و شبهه‌ای نیست، زیرا که خداوند ماه را برای پیامبر خود دو نیم کرد، و قبل از آن آفتاب را برای یوشع بن نون برگرداند و به طول روز قیامت و اینکه آن روز مثل هزار سال است، از آن چه شما می‌شمارید خبر داد.»

و نیز روایت کرده که: «مدت حکومت آن حضرت نوزده سال است که روزها و ماههای آن طولانی است.»
و نیز عبدالکریم خثعمی از امام صادق علیه السلام همانند خبر قبلی روایت کرده است.

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «حضرت قائم علیه السلام هفت سال حکومت می‌کند که مطابق هفتاد سال از سالهای شما می‌شود.»

و شیخ طوسی در کتاب «غیبت» در روایتی طولانی آورده است که: «خداوند در زمان آن حضرت به فلک امر می‌فرماید که گردش او کند شود تا اینکه در ایام حکومت او

هر روز، ده روز؛ و هر ماه، ده ماه؛ و هر سال، ده سال
می‌شود.»

در بعضی از خبرها نیز آمده است که مدّت حکومت
حضرت مهدی علیه السلام بیشتر از این است.

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» از حضرت باقر علیه السلام
روایت کرده است که فرمود: «حضرت قائم (عج)، سیصد و نه
سال پادشاهی خواهد کرد، همانطور که اصحاب کهف در غار
درنگ کردند، آن حضرت زمین را از عدل و داد پر خواهد
کرد، آنگاه که پر از ظلم و جور شده باشد.»

آشکار شدن کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام

شانزدهم: آشکار شدن کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام است که علی علیه السلام بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را جمع نمود، بدون آنکه تغییری در آن داده شود و تمام آنچه را که بصورت معجزه بر آن حضرت نازل شده، دارا می‌باشد که پس از گردآوری بر اصحاب عرضه نمود، چون صحابه روی گرداندند، آن را مخفی کردند و به حال خود باقی است تا اینکه حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند و آن را بیاورد تا مردم آن را بخوانند و حفظ کنند و از این جهت که از نظر ترتیب با مصحف کنونی تفاوت دارد، حفظ آن از تکالیف دشوار مکلفان خواهد بود.

در کتاب «غیبت» نعمانی روایت شده که فرمود:
«حضرت قائم علیه السلام با امری جدید و قضایی جدید و کتابی جدید، خروج می‌کند.»

و نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: «شیعیان خود را می‌بینم که در مسجد کوفه خیمه‌ها برپا کردند و قرآن را به نحوی که نازل شده به مردم آموزش می‌دهند»
و نیز «اصبغ بن نباته» از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: «گویا عجم را می‌بینم که خیمه‌های ایشان در مسجد کوفه است، قرآن را چنانکه نازل شده به مردم آموزش می‌دهند.»

نیز از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «والله! گویا بسوی آن حضرت نظر می‌کنم (یعنی حضرت قائم) و می‌بینم که از مردم بر کتابی جدید بیعت می‌گیرد.»

شیخ طبرسی در کتاب «احتجاج» از ابوذر غفاری روایت کرده که: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وفات کرد، علی علیه السلام قرآن را جمع‌آوری کرد و آن را نزد مهاجرین و انصار آورد و آن قرآن را بر آنها عرضه داشت، بخاطر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به

۱ - تذکر این نکته ضروری است که بنا بر نظر اکثر علماء، در قرآن هیچ تحریفی صورت نگرفته است و قرآن مورد نظر در اینجا، تفاسیر واقعی قرآن بوده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آنها را به حضرت علی علیه السلام تعلیم فرمود.

او این چنین وصیت کرده بود.

وقتی ابوبکر آن را باز کرد، صفحه‌ی اول آن که در مورد فضایح قوم بود آمد، پس عمر بلند شد و به حضرت علی علیه السلام گفت: «یا علی! آن را ببر که ما به آن نیازی نداریم.» پس حضرت آن را گرفت و برگشت. تا اینکه می‌گوید:

وقتی عمر خلیفه شد از آن حضرت خواست که آن قرآن را به او بدهد تا آن را تحریف کنند. پس گفت: «ای ابالحسن! آن قرآن را نزد ابی‌بکر بیاور تا کنار آن جمع شویم.»

حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرگز آن را نخواهم آورد، من آن را نزد ابی‌بکر نیاوردم مگر برای آنکه حجّت بر شما تمام شود و در روز قیامت نگویند که ما از آن اطلاعی نداشتیم یا بگویند که آن را نزد ما نیاوردی. کسی به قرآنی که در نزد من است دست نمی‌زند مگر پاکیزگان و اوصیاء از فرزندان من.»

عمر گفت: «آیا وقت معلومی برای اظهار آن هست؟»

فرمود: «آری! هر گاه قائم که یکی از فرزندان من است قیام کند، آن را می‌آورد و در میان مردم جاری می‌سازد که پس از آن، سنت بر مبنای آن اجراء می‌شود.»

از روایت مفضل مرویست که سید حسنی خدمت حضرت حجت علیه السلام عرض می‌کند که: «اگر شما مهدی آل محمد علیهم السلام هستید، پس آن کتابی که جدّ تو امیرالمؤمنین علیه السلام بدون هیچ تغییر و تبدیلی جمع کرد، کجاست؟»

در کتاب «ارشاد» شیخ مفید از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر گاه قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، خیمه‌هایی را برپا می‌کند تا قرآن را به همان نحوی که نازل شده به مردم تعلیم دهد، پس برای آنان که امروز آن را حفظ نموده‌اند مشکل‌ترین کار خواهد بود. زیرا آن قرآن با این قرآن در ترتیب، تفاوت دارد.»^۱

و در کتاب «غیبت» فضل بن شاذان همین خبر را به یک سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است.

۱ - تفاوت داشتن در ترتیب، تحریف محسوب نمی‌شود.

سایه انداختن ابری سفید بر سر مبارک امام زمان علیه السلام

هفدهم: ابر سفیدی پیوسته بر سر مبارک حضرت مهدی علیه السلام سایه می‌اندازد و منادی در آن ابر بطوری ندا می‌دهد که آن ندا را انس و جنّ و پری و اهل مشرق و اهل مغرب می‌شنوند.

در روایت لوح، شیخ طوسی روایت کرده است که: «او مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که زمین را هنگامی که از ستم پر شده از عدل و داد پر می‌کند.»

خرّاز در کتاب «کفایه» و کنجی شافعی در «بیان» و مهدی ابونعیم حافظ و یوسف بن یحیی سلمی در «مناقب» و نیز احمد بن المنادی در کتاب «ملاحم» و ابن شیرویه در کتاب «فردوس» و ابوالعلاء حافظ در کتاب «فتن»، خبر ابر و منادی را به این الفاظ روایت کرده‌اند که: «این مهدی، خلیفه الله است» و به روایتی «او را همراهی کنید» آمده است.

قرار داشتن ملائکه و اجنه در لشکر حضرت مهدی علیه السلام

هجدهم: ملائکه و جنّ در لشکر حضرت مهدی علیه السلام قرار دارند و آنها به چشم یاران حضرت نیز می‌آیند، چنانکه در روایت طولانی مفضل آمده که به امام صادق علیه السلام گفت: «ای سید من! آیا ملائکه و جنّ برای مردم ظاهر می‌شوند؟» حضرت فرمودند: «آری، به خدا قسم ای مفضل! و چنان با مردم گفتگو می‌کنند که مردم با خودشان گفتگو می‌کنند.»

گفتم: «ای سید من! آیا با او سیر می‌کنند؟»

فرمود: «آری، به خدا قسم ای مفضل! هر آینه آنها در زمینی مابین کوفه و نجف بنام هجرت، فرود می‌آیند و تعداد افراد آن حضرت در آن وقت چهل و شش هزار ملائکه و شش هزار جنّ است.»

در روایت دیگر آمده است که: «اجنه ایشان را یاری می‌دهد و به یاری خدا همه جا را فتح می‌کنند.»

در کتاب «کامل الزیارة» و «غیبت» نعمانی از امام صادق علیه السلام در ضمن حالات آن حضرت روایت شده است که فرمود: «سیزده هزار و سیصد و سیزده ملک نزد حضرت مهدی علیه السلام می آیند.»

ابوبصیر گفت: «گفتم تمام این ملائکه می آیند؟!»
گفت: «آری! آن ملائکه‌ای که با نوح در کشتی بودند و آنهایی که با حضرت ابراهیم بودند، آن زمانی که او را به آتش انداختند و آن ملائکه‌ای که با موسی بودند، زمانی که دریا شکاف خورد و آنهایی که با حضرت عیسی بودند، زمانی که خداوند او را به آسمان برد و چهار هزار ملائکه که نشانه‌های خاص خود و عمّامه‌های زرد دارند که اینها با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند. و هزار ملائکه که منظم می آیند و سیصد و سیزده ملک که در بدر بودند و چهار هزار ملک که نازل شدند و می‌خواستند حسین بن علی علیه السلام را یاری کنند پس به آنها اجازه نداد و آنها نزد قبر آن حضرت، ژولیده و غبارآلوده هستند و در کنار قبر آن حضرت نشسته‌اند و تا روز قیامت گریه می‌کنند، و رئیس آنها ملکی به نام منصور

است، پس هیچ زائری امام حسین علیه السلام را زیارت نمی‌کند مگر آنکه آن فرشته‌ها از او استقبال می‌کنند و وداع کننده‌ای او را وداع نمی‌کند مگر آنکه آنها او را همراهی می‌کنند و هر کس مریض می‌شود او را عیادت می‌کنند و هر کس از آنها بمیرد بر جنازه او نماز می‌خوانند و بعد از مردنش بر او استغفار می‌کند و همه اینها در زمین هستند و منتظر ظهور حضرت قائم علیه السلام هستند.»

جوان ظاهر شدن امام زمان علیه السلام

نوزدهم: طول روزگار و گردش روز و شب و سیر فلک در بنیه و مزاج و اعضاء و قوا و صورت و شکل آن حضرت، با اینکه طول عمر ایشان بیش از هزار سال می‌باشد، تأثیر نگذاشته است و خدا می‌داند که تا وقت ظهور، ایشان چند سال دارند.

وقتی حضرت حجّت علیه السلام ظاهر شود، در صورت مانند مرد سی ساله یا چهل ساله است و مسن‌تر از انبیای گذشته می‌باشد.

شیخ صدوق از ابوالصلت هروی روایت کرده است که: گفت: از حضرت رضاء علیه السلام پرسیدم: «علامت قائم شما هنگامی که خروج می‌کند چیست؟»

فرمود: «علامتش آن است که در سنّ، پیر است ولی در صورت جوان می‌باشد بطوری که کسی که به او نظر می‌کند،

گمان می‌کند که در سنّ چهل سالگی یا کمتر از چهل سال است، و نشانه دیگر آن حضرت این است که با گذشت شب و روز پیری به آن حضرت راه نمی‌یابد تا زمانی که اجل آن حضرت فرا رسد.»

در کتاب «غیبت» شیخ طوسی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «آن جناب بصورت یک جوان سی ساله موفق ظاهر می‌شود.»

و نیز از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «اگر حضرت قائم علیه السلام خروج کند، مردم او را انکار خواهند کرد، در حالی که حضرت یک جوان موفق است.»

و نیز از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «بزرگترین بلا آن است که حضرت مهدی علیه السلام از غیبت خارج می‌شود و بسوی مردم می‌آید در حالی که جوان است، ولی مردم او را فردی سالخورده، گمان می‌کنند.»

مراد از «موفق» همانطور که علامه مجلسی احتمال داده آن است که: اعضایش متناسب یکدیگر و خلقتش معتدل است یا اینکه کنایه در متوسط بودن جوانی و یا ... است.»

«شهرستانی» حیوان سیرت، در «ملل و نحل» بعد از ذکر فرقه‌های امامیه، بعد از امام حسن عسکری علیه السلام که این مطلب را از رساله «فرق نوبختی» برداشته و جمله‌ای را از کلمات نافعۀ او دزدیده می‌گوید: «از عجایب این است که می‌گویند غیبت حضرت طولانی شده است و در حدود ۲۵۰ سال است و امام ما فرموده که: اگر کسی به نام حضرت حجّت علیه السلام قیام کند در حالی که از سنّ چهل سالگی گذشته باشد پس او امام و صاحب شما نیست؛ و ما ندانستیم که چگونه یک فرد ۲۵۰ ساله، ۴۰ ساله می‌شود» تا آخر.

و منظور و نتیجه این خبر این است که: «آن حضرت یا چهل سال دارد و یا اینکه از چهل سال کمتر است و اگر زیادتر باشد حضرت مهدی (عج) نیست.»

و نتیجه شک و تردید این غافل آن است که: شما می‌گویید که او تقریباً ۲۵۰ سال است که غایب شده است، حال اگر او ظهور کند چگونه می‌تواند چهل ساله باشد؟

جواب: منظور این است که در ظاهر صورت و هیأت و بنیه و مزاج، مرد چهل ساله است، هر چند عمر او هزار سال

باشد و خداوند متعال قادر است که هر کسی را در هر سنی به این صورتی که ذکر شد، نگه دارد.

فریقین (شیعه و سنی) نقل کرده‌اند که: «از معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این بود که بر هر حیوانی که سوار می‌شدند، آن حیوان در همان سنی که بود باقی می‌ماند.»

ابن اثیر در کتاب «اسد الغابه» روایت کرده که: عمرو بن حمق خزاعی، آن حضرت را سیراب نمود و آن حضرت هم در مورد جوانی‌اش، در حق او دعا کرد و فرمود: «اللهم متعه بشبابه.» (یعنی: خدایا! به جوانی‌اش به او بهره عطا فرما.)

پس هشتاد سال بر او گذشت ولی در ریش او موی سفیدی دیده نشد. بلکه بسا باشد که از حالت پیری به جوانی برگردانند و خداوند متعال همه پیران بهشتی را جوان کند و به بهشت ببرد.

حال آیا به اعتقاد شهرستانی، (نعوذ بالله) در آخرت قدرت جدیدی برای حق تعالی پیدا شود یا اینکه شهرستانی برای آخرت، یک خدای دیگر قائل است که می‌تواند چنین کاری بکند و عجیب اینجاست که او حضرت خضر علیه السلام را

زنده می‌داند، در صورتی که او چند هزار سال از حضرت مهدی علیه السلام بزرگتر است و می‌گویند در صحرا و خشکی‌ها، سیر و سفر می‌کند، و اگر زندگی آن حضرت طبق معمول باشد باید مشتی پوست و استخوان از ایشان باقی باشد و در گوشه‌ای افتاده باشد، و ایشان را در ظاهر و صورت، دارای هر سنی که بدانیم جای همان اعتراض هست.

خدای تعالی به این گروه از مردم یا انصاف دهد یا درک و شعور عطا فرماید که هیچ کدام از اینها را ندارند.

میبیدی در شرح دیوان گفته است که: «حق تعالی، دندان و ارکان حضرت خضر علیه السلام را پیش از ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، هر پانصد سال یک بار تجدید می‌کرد و بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام هر صد و بیست سال یکبار تجدید می‌کند.»

در «احتجاج» طبرسی از امام حسن علیه السلام روایت شده است که در حالات حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «خدا عمر آن حضرت را طولانی می‌کند و بعد به قدرت خود او را بصورت جوانی ظاهر می‌کند که دارای سنّ چهل سالگی باشد و این برای آن است که بدانند که خداوند بر همه چیز قادر است.»

از بین رفتن وحشی‌گری و نفرت از میان حیوانات

بیستم: خوی وحشی‌گری و نفرت و همچنین دشمنی از میان حیوانات حتی میان آنها و انسانها از بین می‌رود، همانطور که پیش از کشته شدن هابیل این چنین بود.

شیخ صدوق در کتاب «خصال» از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «اگر حضرت قائم ظهور کند، میان درندگان و چارپایان، صلح برقرار می‌شود، بطوری که یک زن میان عراق و شام راه می‌رود و پایش را روی هیچ گیاهی نمی‌گذارد و هیچ درنده‌ای او را به هیجان نمی‌آورد و نمی‌ترساند.»

و در «تأویل الآیات» از شیخ شرف الدین نیز آمده است که: «گوسفند و گرگ و گاو و شیر و مار و انسان از یکدیگر در امان می‌مانند.»

در کتاب «عقد الدرر» از حضرت علی علیه السلام روایت شده

است که در مورد حضرت مهدی (عج) فرمود: «گوسفند و گریز در یک مکان زندگی می‌کنند و کودکان با مارها و عقربها بازی می‌کنند و آنها بچه‌ها را اذیت نمی‌کنند و خلاصه اینکه شرّ می‌رود و خیر می‌ماند.»

در «احتجاج» از آن حضرت روایت شده است که: «در آن زمان، درندگان و سایر حیوانات با یکدیگر سازش می‌کنند و همگی مطیع آن حضرت می‌شوند.»

چنانکه شیخ صدوق از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «گویا اصحاب حضرت قائم را می‌بینم که مغرب و مشرق را احاطه کرده‌اند و همه چیز فرمانبردار ایشان می‌شود، حتی حیوانات وحشی زمین و حیوانات وحشی پرند، و زمین بر خود فخر می‌کند و می‌گوید: «امروز بر من یکی از اصحاب قائم علیه السلام گذشت.»

در خطبه مخزون امیرالمؤمنین علیه السلام که در «منتخب البصائر» حسن بن سلیمان حلی روایت شده، آن حضرت در مورد کیفیت روزها و قیام حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند که: «در آن زمان، وحوش رام می‌شوند بطوری که روی زمین مثل چهارپایان ایشان می‌چرخند.»

حاضر بودن جمعی از مردگان در رکاب امام زمان علیه السلام

بیست و یکم: جمعی از مردگان در رکاب آن حضرت حاضر می‌شوند، چنانکه شیخ مفید در کتاب «ارشاد» فرموده است که: «بیست و هفت نفر از قوم موسی و هفت نفر اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه و مقداد و مالک اشتر، از یاران آن جناب خواهند بود که در شهرهای مختلف حاکم می‌شوند.»

و نیز در کتاب «ارشاد» از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «وقتی ظهور حضرت مهدی علیه السلام نزدیک شود در جمادی الاخر و ده روز از رجب، بر مردم باران می‌بارد، بارانی که مردم مانند آن ندیده‌اند و خداوند بوسیله آن باران، گوشت مؤمنین را و بدنهایشان را در قبر می‌پروراند.»

در کتاب «غیبت» شیخ فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام

روایت شده که فرمود: «در شب بیست و سوم ماه رمضان به اسم حضرت قائم ندا کنند و در روز عاشورا قیام کند. و از آن ندا هیچ خفته‌ای نمی‌ماند مگر آنکه بیدار شود و برمی‌خیزد و می‌ایستد و ایستاده‌ای نمی‌ماند مگر آنکه بنشینند و نشسته‌ای نمی‌ماند مگر آنکه روی دو پای خود برخیزد.»

آن ندا، ندای جبرئیل است و به مؤمن در قبرش خواهند گفت که: صاحب تو ظهور کرد پس اگر می‌خواهی به او ملحق شو و اگر می‌خواهی بمانی، در جای خود بمان.»

و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود: «وقتی حضرت قائم ظهور کرد و وارد کوفه شد، خداوند از پشت کوفه یعنی وادی السلام، هفتاد هزار صدیق را مبعوث می‌کند که از اصحاب و یاران او می‌شوند.»

در بحار از بهاء الدین سید علی بن عبدالحمید از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که: «خداوند اصحاب کهف و سگ ایشان را مبعوث خواهد کرد.»

سید علی بن طاووس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده

است که فرمود: «هر کس خدا را چهل صبح به این عهد (دعای عهد) بخواند، از انصار حضرت قائم خواهد بود، پس اگر پیش از ظهور آن حضرت مُرد، خداوند او را بعد از ظهور از قبرش بیرون می‌آورد» و دعا معروف است و اوّل آن این است: «اللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ»^۱

خارج شدن گنجها و ذخیره‌های زمین

بیست و دوّم: زمین گنجها و ذخایری را که در او پنهان شده بیرون می‌ریزد.

در «کمال الدّین» آمده است که: خداوند در شب معراج به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «گنجها و ذخایر را به مشیت خود، برای او (یعنی حضرت قائم علیه السلام) ظاهر می‌کنم.»
در کتاب «ارشاد» از شیخ مفید از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «وقتی حضرت قائم ظهور کند، زمین گنجهای خود ظاهر می‌کند بطوری که مردم گنجها را بر روی زمین می‌بینند.»

در غیبت نعمانی از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود: «وقتی قائم علیه السلام برخیزد آنها را بطور مساوی تقسیم می‌کند.»
تا اینکه فرمود: «و اموال دنیا از شکم زمین و ظاهر او نزد ایشان جمع می‌شود.»

در عقدالدّرّ از عبدالله بن عباس است که گفت: «و اما مهدی آن کسی است که زمین را آنگاه که ستم همه جا را فرا گرفته باشد، از عدل و داد پر می‌کند و چهارپایان از دست درندگان در امان می‌مانند و زمین پاره‌های جگر خود را می‌اندازد.»

راوی پرسید: «پاره‌های جگر او چیست؟»

گفتند: «مانند ستون از طلا و نقره.»

و نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که: «زمین

گنجهای خود را بیرون می‌اندازد.»

و شیخ طوسی در کتاب «امالی» از آن جناب روایت کرده

است که فرمود: «در ماجرای حضرت مهدی علیه السلام زمین برای

او پاره‌های جگر خود را بیرون می‌اندازد.»

نزدیک به آن روایت در کتاب «احتجاج» از

امیرالمؤمنین علیه السلام و «کمال الدّین» از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

روایت شده که فرمود: «خداوند گنجهای زمین و آنچه در

داخل آن است را برای او آشکار می‌سازد.»

در کتاب «غیبت» فضل، نیز این مضمون به چند سند

معتبر آمده است.

زیاد شدن باران و درختان میوه و سایر نعمتهای زمین

بیست و سوّم: زیاد شدن باران و گیاه و درختان و میوه‌ها و سایر نعمتهایی که روی زمین است، بطوری که حالت زمین در آن زمان با حالت آن در وقت‌های دیگر تفاوت می‌کند و قول خداوند تحقق می‌یابد که: «یوم تبدل الارض غیر الارض»^۱

نعمانی از کعب روایت کرده است که: «حضرت مهدی علیه السلام چنین کند و مرادش این است که صورت زمین در عهد حضرت مهدی علیه السلام به صورت دیگر مبدل می‌شود که آن بخاطر زیاد بودن عدل و باران و درختان و گیاهان و سایر برکات دیگر است.»

در «کشف الغمّه» از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت است

۱ - سورة ابراهیم آیه ۴۸ «یعنی: در آن روز که این زمین به زمین دیگری مبدل می‌شود.»

که فرمود: «امت من در زمان حضرت مهدی علیه السلام به نعمتی متنعم می‌شوند که هرگز مثل آن را نداشته‌اند. آسمان بر ایشان باران پی در پی می‌فرستد و زمین چیزی از گیاهان خود را ذخیره نمی‌کند.»

گنجی در کتاب «بیان» گفته است که: «زمین میوه‌های خود را می‌دهد و چیزی را بر آنها پنهان نمی‌کند.» و به روایت بغوی: «آسمان از باران خود چیزی کم نمی‌گذارد و آن را پی در پی می‌فرستد و زمین گیاهان خود را ظاهر می‌کند، تا اینکه برای مردگان آرزو می‌کنند.» یعنی کاش زنده می‌شدند و این چیزها را می‌دیدند.

شیخ طبرسی در کتاب «احتجاج» از حضرت علی علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «در زمان او، زمین گیاهان خود را بیرون می‌آورد و آسمان برکت خود را نازل می‌کند.» نزدیک به این روایت در خصال هم آمده است که: «در آن زمان زن از عراق به شام می‌رود و پای خود را فقط بر روی گیاه می‌گذارد.»

شیخ مفید در کتاب «اختصاص» از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

روایت کرده است که فرمود: «هنگامی که وقت ظهور حضرت قائم شود منادی از آسمان ندا می‌کند که: ای مردم! زمان حکومت جبّاران بر شما پایان یافته و بهترین امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ولیّ امر شما شده است.»

تا اینکه فرمود: «پس در آن زمان، مرغان در آشیانه‌های خود جوجه می‌گذارند و ماهی‌ها در دریاها تخم می‌گذارند و نهرها جاری می‌شوند و آب چشمه‌ها بسیار می‌شود و زمین چند برابر ثمر و رزق خود را می‌رویاند.»

در «عقد الدرر» از حضرت روایت است که در جریان حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «اهل آسمان و اهل زمین و مرغان و وحشیان و ماهیان در دریا، به او شادمان می‌شوند و باران در زمان حکومت او زیاد می‌شود، نهرها جاری می‌شوند و زمین ثمره خود را دو چندان می‌کند و گنجهای خود را بیرون می‌ریزد.»

سید علی بن طاووس در کتاب «سعد السّعود» از صحیفه ادریس نبی، در ضمن درخواست ابلیس نقل کرده است که: «پروردگارا! به من تا روزی که خلق مبعوث می‌شوند، مهلت

و جواب آمد که: «نه! ولی تا روز معلوم، تو از مهلت داده شدگان هستی و آن روزی است که من حکم نمودم و حتم کردم که آن روز، زمین را از کفر و شرک و معاصی پاک کنم و برای آن وقت، بندگان که دل‌هایشان را به ایمان آزمودم و آنها را پُر نمودم از ورع و اخلاص و یقین و تقوی و خشوع و صدق و حلم و صبر و وقار و پرهیزگاری و زهد در دنیا و رغبت در آنچه در نزد من است، بعد از هدایت و آنها را نگاهبانان آفتاب و ماه می‌گردانم، یعنی برای عبادت در شب و روز. و آنها را در زمین خلیفه و جانشین خواهم کرد و به آنها بر دینی که آن را برای ایشان پسندیدم، قدرت و توانایی خواهم داد.

آنگاه مرا عبادت می‌کنند و چیزی را برای من شریک قرار نمی‌دهند. نماز خود راسر وقت بخوانند و زکات خویش را در زمانش پردازند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و در آن زمان امانت را بر زمین بیاندازم.

پس چیزی به چیزی ضرر نرساند و چیزی از چیزی نترسد. آنگاه چهارپایان و جانوران زهردار در میان مردم

آیند و همدیگر را اذیت نمی‌کنند. و نیش را از جانورانی که نیش دارند بردارم و زهر هر حیوان زهردار را ببرم و برکات را از آسمان و زمین نازل کنم و زمین از نیکویی نبات خود بدرخشد و همهٔ ثمره‌های خود را بیرون دهد و مهربانی و دوستی را در میان آنها بیندازم پس با یکدیگر مواسات کنند و به یک اندازه قسمت کنند.

پس فقرا بی‌نیاز می‌شوند و هیچ کس از مردم بر دیگری برتری نکند و بزرگ به کوچک و کوچک به بزرگ احترام بگذارد و به حق، متدین شوند و انصاف دهند و حکم کنند، آنها اولیای من هستند، برای آنها پیامبر و رسول را برگزیدم و برای او، اولیاء و یاورانی قرار دادم.

اینها برترین امتی هستند که من برای نبی برگزیدهٔ خود و امین مرتضای خود، انتخاب کردم و این هنگامی است که آن را در علم غیب خود پوشاندم،

و چاره‌ای نیست که آن واقع شود و تو را در آن روز با تمام سواران و پیاده‌گانت و تمام لشکریانت هلاک می‌کنم. برو! تو از مهلت داده شدگان هستی تا روز معلوم.»

آثار ذکر شده در این اثر شریف تا کنون ظاهر نشده و مطابق اخبار خاصه و عامه از خصایص حضرت مهدی علیه السلام است.

سید علی بن عبدالحمید در «انوارالمضیئه» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «آیه شریفه «فانک من المنظرین الی یوم الوقت معلوم»^۱ که وقت معلوم، همان روز برخاستن و ظهور حضرت قائم است، پس وقتی خداوند او را مبعوث می‌کند در مسجد کوفه است و آن روز ابلیس می‌آید و به زانوهای حضرت می‌افتد و می‌گوید: وا ویلاه از این روز؛ و حضرت موی پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند، پس این روز، روز معلوم است.»

در تفسیر علی بن ابراهیم از آن جناب روایت است که در تفسیر «مدهامتان»^۲ فرمود: مابین مکه و مدینه با نخل، پُر می‌شود.

و در خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام که در کتاب «منتخب»

۱ - سورة حجر آیه ۳۷ و ۳۸ - سورة ص آیه ۸۰ و ۸۱

۲ - سورة رحمن آیه ۶۴

حسن بن سلیمان حلّی ذکر شده است که: «زمین به عدل، نورانی یا خرسند می‌شود و آسمان، باران خود را می‌باراند و درخت، ثمره خود را بیرون داده و خود را برای اهل خود زینت می‌دهد.»

کامل شدن عقل مردم و به آخرین حدّ خود رسیدن علوم

بیست و چهارم: عقل مردم به برکت وجود حضرت قائم علیه السلام، کامل می‌شود و ایشان دست بر سر آنها می‌کشد و کینه و حسد از دل‌هایشان بیرون می‌رود که از روز گذشته شدن هابیل تا کنون وجود داشته است، و علوم به آخرین حدّ خود می‌رسد. چنانکه در اصل زراد آمده است که گفت: به امام صادق علیه السلام گفتم که: «می‌ترسم از مؤمنین نباشیم.»

حضرت فرمود: «برای چه؟»

گفتم: «چونکه کسی را پیدا نمی‌کنیم که برادر او در نزد او بهتر و محبوبتر از درهم و دینار باشد و درهم و دینار را از برادری که میان ما و او، دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام باشد محبوبتر می‌بینیم.»

حضرت فرمود: «شماها مؤمن هستید و لکن ایمان خود را کامل نخواهید کرد، مگر اینکه حضرت قائم علیه السلام ظهور کند،

پس در آن زمان خداوند تبارک و تعالی، عقلهای شما را کامل می‌کند.»

در کتاب «خرایج» راوندی و «کمال الدین» صدوق از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه حضرت قائم علیه السلام قیام کند، دست خود را بر سر بندگان می‌گذارد و بخاطر این کار، عقل ایشان را جمع می‌نماید و خرد آنها را کامل می‌کند.»

شیخ کلینی از سعید بن حسن روایت کرده است که حضرت باقر علیه السلام به او فرمود: «آیا احدی از شما هست که به برادر خود رو کرده و دست خود را در جیب برادر خود کند و به مقدار نیاز خود بردارد و برادرش او را از این کار منع نکند؟»

گفتم: «چنین شخصی در میان خود نمی‌شناسم.»

پس حضرت فرمود: «چیزی در این حال نیست.» یعنی مقام و کمالی برای ایشان نیست.

پرسیدم: «آیا آخر این حال، هلاکت و نابودی است؟»

حضرت فرمود: «نه! بدرستی که هنوز عقلهای این گروه به

آنها داده نشده است.»

در کتاب «اختصاص» از شیخ مفید روایت است که کسی به آن حضرت عرض کرد: «اصحاب ما در کوفه، عدّه بسیاری هستند، اگر دستور می‌دادید هر آینه آنها از شما اطاعت و پیروی می‌کردند.»

حضرت فرمود: «آیا کسی از آنها هست که نزد برادرش برود تا از کیسه پول او، درخواست خود را بگیرد؟»
گفت: «نه!»

حضرت فرمود: «پس آنها به خون خود بخیل‌تر هستند.»
آنگاه فرمود: «بدرستی که مردم در آرامی و آسایش می‌باشند. با آنها ازدواج می‌کنیم و از همدیگر ارث می‌بریم و حدّ بر آنها جاری می‌کنیم و امانت ایشان را ادا می‌کنیم. چون حضرت قائم علیه السلام برخیزد آن وقت طوری می‌شود که شخص بسوی کیسه برادر خود می‌رود و حاجت خود را می‌گیرد و کسی او را منع نمی‌کند.»

صدوق در «کمال الدّین» از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «از صفات مهدی علیه السلام آن است که دست خود را بر سر بندگان می‌گذارد، پس آنگاه مؤمنی نمی‌ماند مگر آنکه قلبش از آهن سخت‌تر می‌شود.»

در «خصال» از آن حضرت روایت است که در ضمن وقایع زمان حضرت مهدی عجل الله فرجه فرمود: «هر آینه، کینه و دشمنی از دلهای بندگان می‌رود.»

در «کشف الغمّه» از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «خدای تعالی بی‌نیازی را در دلهای مردم وارد می‌سازد.» و ظاهر است که چون آن دو صفت زشت و پلید یعنی کینه و عداوت، از میان مردم و از دلهایشان برود، آنگاه این صفت پسندیده بر دل آنها وارد می‌شود و مردم آسوده می‌شوند.

در «کمال الدین» از امام صادق عجل الله فرجه روایت شده است که به ابان بن تغلب فرمود: «در این مسجد شما (مسجد مکه)، سیصد نفر مرد می‌آیند که اهل مکه می‌دانند که پدران و اجداد آنها در آنجا متولد نشده‌اند، و همراه ایشان شمشیرهایی است که روی هر شمشیر کلمه‌ای نوشته شده است و از هر کلمه هزار کلمه باز می‌شود.»^۱

۱ - شاید منظور از شمشیرها و کلمات، حکمت‌های الهی است که بر قلب آنها وارد می‌گردد.

و به روایت نعمانی: «بر هر شمشیر هزار کلمه نوشته شده که هر کلمه کلید هزار کلمه است.»

در خطبه مخزون از امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر شده است که:

«در آن زمان علم در دلهای مؤمنان جا داده می‌شود و هیچ مؤمنی محتاج علم برادر خود نمی‌شود و در آن هنگام تاویل این آیه آشکار می‌شود که: «...اللَّهُ كَلَّمَ مَنْ سَعَتَهُ...»^۱

۱ - سوره نساء آیه ۱۳۰ «یعنی: خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود بی‌نیاز می‌کند.»

قوت دیدگان و گوشهای امام زمان علیه السلام و اصحاب آن حضرت

بیست و پنجم: قدرت غیر معمول در دیدگان و گوشهای امام زمان علیه السلام و آن حضرت است. چنانچه در کتاب «کافی» و «خرایج» از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «بدرستی که هر گاه قائم ما، حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند، خداوند در گوشها و چشمهای شیعیان ما، قوت و قدرت می‌دهد بطوری که میان آنها و حضرت مهدی علیه السلام به اندازه چهار فرسخ فاصله می‌شود، پس با ایشان صحبت می‌کند و آنها می‌شنوند و بسوی آن جناب نظر می‌کنند.»

شیخ جلیل، فضل بن شاذان در کتاب «غیبت»، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «مؤمن در زمان قائم، در حالی که در مشرق است، هرآینه برادر خود را که در مغرب است می‌بیند و همچنین کسی که در مغرب است برادر خود را که در مشرق است می‌بیند.»

طول عمر اصحاب و انصار امام زمان علیه السلام

بیست و ششم: طولانی بودن عمر اصحاب و انصار امام زمان علیه السلام می‌باشد.

چنانکه شیخ مفید در کتاب «ارشاد» و فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: «در سلطنت و حکومت امام زمان علیه السلام، اصحاب و انصار آن حضرت آنقدر عمر می‌کنند که برای آنها هزار پسر متولد می‌شود.»

در تفسیر عیاشی از امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن بیان حالات سلطنت حضرت مهدی علیه السلام مرویست که فرمود: «قسم به آنکه دانه‌ها را شکافت و جان را آفرید، هر آینه در آن زمان مردم مانند اشراف و پادشاهان زندگی می‌کنند و با آسایش در ناز و نعمتند و مردی از آنها از دنیا نمی‌رود تا اینکه از صُلب او هزار پسر متولد شود که آنها از هر بدعت و

آفت و جدایی از دین در امان هستند، و عمل کننده به کتاب خداوند و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌شوند چرا که آفات و شبهات از آنها نابوده شده است و هرگز به آفتی گرفتار نخواهند شد.

رفتن سختی‌ها و بلاها از بدنهای یاران امام زمان علیه السلام

بیست و هفتم: رفتن سختی‌ها و بلاها از بدنهای یاران حضرت مهدی علیه السلام است. چنانچه در خبرهای گذشته گفته شد و در کتاب «خرایج» راوندی از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کسی، حضرت قائم از اهل بیت مرا درک کند از هر آفت و بلایی شفا خواهد یافت و از هر ضعفی قوی خواهد شد.»

در کتاب «غیبت نعمانی» از حضرت سجّاد علیه السلام روایت است که فرمود: «هر گاه حضرت قائم علیه السلام قیام کند خداوند از هر مؤمنی آفت را می‌برد و به او قدرت و نیرو می‌دهد.» و این کرامت بزرگ مانند شفا دادن حضرت عیسی و سایر انبیا نیست، گاهی به جهت معجزه و تمام کردن حجّت، کور، لال، پیسی یا مریضی را برای انکار کنندگان و منافقان در موارد معدود شفا می‌دهد، بلکه از بین بردن این آفات و

بلاها از تمام مؤمن و مؤمنات، از آثار شادمانه و طلوع نور بزرگ و شریف و رسیدن به آداب دیدار و درک فیض شرف حضور حضرت مهدی علیه السلام است که چون بهشتیان اول در چشمه حیات و چشمه پاک کننده شست و شو می‌کنند و تن خود را چون جان از هر عیب و نقصی پاک می‌کنند که بتوانند در محفل نزدیکان پاگذارند و توان شنیدن کلمه تحیة: «سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین»^۱ را داشته باشند. پس فرق بین این دو شفا از فرق بین زمین و آسمان بیشتر است.

۱ - سورة زمر آیه ۷۳ «یعنی: سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید.»

دادن نیروی چهل مرد به هر یک از یاران امام زمان علیه السلام

بیست و هشتم: به هر یک از یاران امام زمان علیه السلام، به اندازه چهل مرد نیرو داده می‌شود. همانطور که در کتاب «کافی» از عبدالملک بن اعین آمده است که گفت: در نزد ابی‌جعفر علیه السلام بلند شدم. بر دستم تکیه کردم و گریه کردم و گفتم: «آرزو دارم که ظهور حضرت مهدی علیه السلام و سلطنت او را ببینم و درک کنم و در من نیرویی باشد.»

حضرت فرمود: «آیا خشنود نمی‌شوید که دشمنان شما همدیگر را بکشند و شما در خانه‌های خود آسوده باشید؟ اگر امر چنان شد یعنی گشایش بزرگ پدید آمد، به هر مردی از شما، نیرو و قدرت چهل مرد داده می‌شود و دلهای شما مانند پاره‌های آهن می‌گردد بطوری که می‌توانید با آن قدرت، کوه را از جا بکنید و شما قوام (و خزاین) زمین هستید.»

صدوق در کتاب «کمال الدین» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «حضرت لوط به قوم خود نگفت: «لو ان لی بکم قوّة او آوی الی رکن شدید»^۱ مگر با مقایسه و آرزوی قوّت و نیروی حضرت قائم علیه السلام، و ذکر نکرد مگر قدرت اصحاب او را که به هر کدامشان قدرت چهل مرد داده می‌شود.»

و این مضمون را از حضرت سجّاد علیه السلام در کتاب «خصال» و شیخ مفید در کتاب «اختصاص» و ابن قولویه در کتاب «کامل الزیارة» و فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» از امام صادق علیه السلام و همینطور عیّاشی در تفسیر خود روایت کرده‌اند.

در کتاب «کمال الدین» از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود: «آن جناب دست خود را روی سر عبادت‌کنندگان می‌گذارد، پس هیچ مؤمنی نماند که دلش سخت‌تر از پاره آهن نباشد و خداوند به او قدرت چهل مرد را می‌دهد.»

۱ - سورة هود آیه ۸۰ «یعنی: ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه‌گاه و

پشتیبان محکمی در اختیار من بود.»

در کتاب «بصائر الدرجات» صفّار از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود: «وقتی امر ما واقع شود و مهدی ما بیاید، هر مردی از شیعیان ما، جری‌تر از شیر و گذارنده‌تر از نيزه می‌شود، و دشمن ما را با پای خود پایمال می‌کند و او را با دست خود می‌زند و این کار در هنگام نزول رحمت خدا و فرج او بر بندگان است.»

غنی شدن خلق به نور حضرت مهدی علیه السلام

بیست و نهم: مردم با نور حضرت مهدی علیه السلام از نور آفتاب و ماه بی‌نیاز می‌شوند. چنانکه علی بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «واشرق الارض بنور ربها»^۱ روایت کرده است که: «مرتبّی زمین حضرت مهدی علیه السلام است.»

راوی عرض کرد: «پس وقتی حضرت ظهور کند چه خواهد شد؟»

حضرت فرمود: «مردم از روشنایی خورشید و نور ماه بی‌نیاز می‌شوند و به نور امام علیه السلام اکتفا می‌کنند.»

شیخ مفید در کتاب «ارشاد» و شیخ طوسی در کتاب «غیبت» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «هر گاه قائم ما قیام کند، زمین به نور خداوند روشن می‌شود،

۱ - سورة زمر آیه ۶۹ «یعنی: زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود.»

تاریکی می‌رود و مردم نیز از نور آفتاب بی‌نیاز می‌شوند.»
صدوق این مضمون را در کتاب «کمال الدین»، از
امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «سایه‌ای برای
حضرت مهدی علیه السلام نیست.»
شیخ خزاز در «کفایة الأثر» روایت کرده است که: «او
پیش از ظهور، صاحب غیبت است، پس وقتی که قیام کرد
زمین از نور او روشن می‌شود.»
به قرینه خبر اوّل معلوم می‌شود که مراد، نور ظاهری
است و الا ممکن است گفته شود که مراد، نور معبودی است
که نور علم و حکمت و عدل باشد.»
فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» خود به سند صحیح از
آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «هر گاه قائم ما
برخاست و قیام کرد، زمین به نور او روشن می‌شود و بندگان
از نور آفتاب و ماه بی‌نیاز می‌شوند و تاریکی از بین می‌رود و
مرد، در ملک آن حضرت آنقدر عمر می‌کند تا آنکه هزار
پسر برای او متولد می‌شود که هیچ دختری در میان آنها
نیست و زمین گنجهای خود را ظاهر می‌کند تا اینکه مردم

آنها را می‌بینند و هر فردی از شما دنبال کسی می‌گردد تا هدایا و خمس و زکوة و صدقات و فطره را به او بدهد اما کسی را پیدا نمی‌کند چون همه احساس بی‌نیازی می‌کنند چرا که خداوند همه را از فضل خود بی‌نیاز کرده است.»

همراه بودن پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با امام زمان علیه السلام

سی‌ام: پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراه حضرت مهدی علیه السلام است که این پرچم جز در بدر و روز جمل، هیچ روزی باز نشده است. شیخ نعمانی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را روز بدر، جبرئیل نازل نمود و به خدا آن نه از پنبه و نه از کتان و نه از ابریشم و نه از حریر بود.»

راوی عرض کرد: «پس از چه بود؟»

حضرت فرمود: «از برگ بهشت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را در روز بدر باز کرد و بعد آن را پیچید و به دست علی بن ابیطالب داد، پس پیوسته نزد حضرت علی علیه السلام بود تا اینکه روز بصره فرا رسید و حضرت علی علیه السلام آنرا باز کرد و خداوند به او فتح و پیروزی عطا کرد، آنگاه آنرا پیچید و آن پرچم در نزد ماست و آن را هیچ احدی باز نمی‌کند تا اینکه

حضرت قائم علیه السلام ظهور کند، پس هر گاه آن حضرت ظهور کرد، آن پرچم را باز می‌کند.

در آن هنگام هر کس که در مشرق و مغرب است آن را ملاقات می‌کند و (دشمنان) با فاصله زیادی از پیش روی آن فرار می‌کنند.»

و نیز از حضرت باقر علیه السلام روایت است که به ابو حمزه فرمود: «ای ثابت! گویا قائم اهل بیت خود را می‌بینم که بر این نجف مشرف شده است.» (و با دست خود به کوفه اشاره فرمود).

و فرمود: «وقتی بر نجف شما مشرف شد، پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را باز می‌کند و وقتی که باز کرد، ملائکه بدر بر او فرود می‌آیند.»

گفت: «پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟»

حضرت فرمود: «چوبش از عمود عرش خداوند و رحمت اوست و بقیه آن از نصر خداوند است. آن را بطرف چیزی دراز نمی‌کند مگر آنکه آن را تباه کند و از بین ببرد.»

و به روایت صدوق در «کمال الدین» آمده است که:

«وقتی آن را باز کند، سیزده هزار و سیزده ملک بر قائم فرود می‌آیند که همه آنها منتظر آن حضرت بودند.»

نعمانی در کتاب «غیبت» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «وقتی میان اهل بصره و حضرت علی علیه السلام تلاقی شد، آن حضرت پرچم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را باز کرد، پس قدمهای ایشان لرزید و آفتاب زرد نشده بود که گفتند: ای پسر ابوطالب! به ما امان بده.»

و فرمود: «وقتی روز جنگ صفین شد از حضرت علی علیه السلام خواهش کردند که آن پرچم را باز کند، حضرت این کار را نکرد، پس آنگاه حضرت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و عمّار بن یاسر را شفیع خود قرار دادند.

پس حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمودند: «ای فرزند من! زمانی است که باید این قوم آن زمان را پشت سر بگذارند و بدرستی که این پرچم را بعد از من هیچ کس باز نمی‌کند مگر حضرت قائم علیه السلام.»

زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقط اندازه قد شریف

حضرت قائم علیه السلام است

سی و یکم: زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقط بر قامت حضرت مهدی علیه السلام راست می‌آید. چنانکه در کتاب «بصائر الدرجات» از امام صادق علیه السلام روایت است که بعد از ذکر چیزهایی از قبیل سلاح و موارث انبیاء که در نزد ایشان است، فرمود: «بدرستی که قائم ما کسی است که وقتی زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بپوشد آن را پر کند و به اندازه باشد یعنی کوچک یا بزرگ نباشد و همانا ابوجعفر علیه السلام آن را پوشید پس بزرگتر از قامتش بود.»

راوی عرض کرد: «شما چاق‌تر هستید یا ابوجعفر؟»

حضرت فرمود: «ابوجعفر از من چاقتر بود، زیرا وقتی من

آن را پوشیدم اندکی برای من بزرگ بود.»

و نیز آنجا راوندی در کتاب «خرایج» از ابی بصیر روایت

کرده که به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: «فدای تو شوم!
من می‌خواهم دستم را به سینه تو بمالم.»

حضرت فرمود: «این کار را بکن.»

پس دستم را به سینه و کتفهای مبارکش مالیدم. پس

فرمود: «ای ابومحمّد! چرا این کار را کردی؟»

عرض کردم: «فدای تو شوم! از پدرت شنیدم که

می‌فرمود: بدرستی که حضرت قائم علیه السلام سینه‌اش پهن است

و دو کتفش فرو هشته و میان آنها فراخ است.»

حضرت فرمود: «ای ابومحمّد! پدرم زره

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را پوشید ولی آن بر زمین کشیده می‌شد،

بعد من پوشیدم و برای من مناسبتر بود (ولی اندازه نبود) و

این زره بر تن حضرت قائم علیه السلام همان گونه‌ای خواهد بود که

بر تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. دامن آن از زمین بلند است به

نحوی که گویا جلوی آن را با دو حلقه بلند کرده‌اند.»

در روایت راوندی آمده است که: «و آن زره برای صاحب

امر مشمر است.» یعنی دامن او بالا رفته است، همانطور که

بر تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اینگونه بود.

و بر این مضمون اخبار متعدّدی وجود دارد و علامه مجلسی در جلد هفتم بحار فرموده است که: «از روایات استنباط می‌شود که در نزد ائمه دو زره بوده است؛ یکی از آنها علامت امامت بود که به اندازه ایشان بود و دیگری علامت حضرت قائم (عج) بود که به اندازه آنها نبود و فقط بر بدن حضرت مهدی (عج) اندازه می‌گردد.»

ابر مخصوص حضرت قائم علیه السلام که در آن رعد و برق است

سی و دوّم: ابری مخصوص است که خداوند متعال، آن را برای حضرت قائم علیه السلام ذخیره کرده است که در آن رعد و برق می‌باشد. چنانکه صفّار در کتاب «بصائر» و شیخ مفید در کتاب «اختصاص» به سندهای متعدّد از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمودند: «آگاه باشید که ذوالقرنین را در میان دو ابر مخیّر کردند. پس او ابر آرام را انتخاب کرد و ابر صعب و سخت را برای صاحب شما ذخیره نمود.»

راوی پرسید: «صعب کدام است؟»

حضرت فرمود: «آن ابری که در آن رعد و برق و صاعقه است. آگاه باشید که صاحب شما بر آن سوار می‌شود، پس آن ابر، او را در راههای هفت آسمان و هفت زمین که پنج عدد آن آباد، و دوتای آن خراب است می‌برد.»

و نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

«خداوند ذوالقرنین را میان دو ابرِ آرام و سخت مخیر کرد، پس او ابرِ آرام را انتخاب کرد و آن ابری است که در آن رعد و برقی نیست و اگر سخت را انتخاب می‌کرد این ابر برای او نبود زیرا خداوند این ابر را برای حضرت قائم علیه السلام ذخیره کرده است.»

برداشته شدن تقیه و ترس از کفار و مشرکان و منافقان

سی و سوّم: در زمان ظهور امام زمان علیه السلام تقیه^۱ و ترس از کفار و مشرکان و منافقان برداشته می‌شود و بندگی خداوند متعال و سلوک در امور دنیا طبق فرمانهای الهی برای آنها میسر و آسان می‌گردد و بدون اینکه از ترس مخالفان، نیاز به دست برداشتن پاره‌ای از آنها باشد. چنانکه خداوند متعال در قرآن وعده فرموده که: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلك فاولئک هم الفاسقون»^۲

(یعنی: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای

۱ - تقیه یعنی نگهداری خود از ضرری که نفع غالبی در مقابل نداشته باشد.

۲ - سوره نور آیه ۵۵

شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را در روی زمین خلیفه خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید، و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت، و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.)

و بر هیچ باانصافی پوشیده نیست که وعده خلافتی که خداوند تعالی داده است برای کسانی است که در دنیا بعد از پیامبر خود دارای مرتبه‌ای از ایمان و درجات عمل صالح هستند که در زمان خلافتش بتواند تمام دینی که خدا برایش پسندیده برپا کند، و او از هر خوفی که از جانب خلق به او رسیده ایمن می‌شود و ایشان خدا را بی‌تقیّه پرستش می‌کنند. شیخ طبرسی در کتاب «مجمع البیان» فرمود: «روایت از اهل بیت علیهم السلام این است که این آیه در حقّ حضرت مهدی علیه السلام است.»

عیّاشی روایت کرده است که حضرت سجّاد علیه السلام این آیه را تلاوت کرد، آنگاه فرمود: «به خدا قسم ایشان شیعیان ما

اهل بیت هستند. این کار یعنی این سه احسان بزرگ به دست مردی از ما، بر ایشان انجام می‌شود و او مهدی این امت است.»

صدوق در کتاب «کمال الدین» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «ایام غیبت او دراز می‌شود تا اینکه حق خالص شود و هر کس از شیعیان که طینت او خبیث باشد و بیم نفاق در وی برود، از ایمان او کدورت رفع می‌شود چرا که استخلاف و تمکین و اموری که در زمان خلافت حضرت مهدی علیه السلام بوجود می‌آید را می‌بیند.»

راوی عرض کرد: «کسانی هستند که گمان می‌کنند این آیه در حق ابابکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام نازل شده است.»

حضرت فرمود: «خداوند دل‌های ایشان را هدایت نکن! کجا متمکن شد آن دینی که خداوند و رسولش آن را به انتشار امر آن در امت و رفتن خوف از دل‌های ایشان و از بین رفتن شک از سینه‌های آنها، پسندید؟! و در عهد کدام یک از آنها این امر محقق شد؟! در عهد آنها و حضرت علی علیه السلام

که مسلمانان، مرتد شدند و فتنه‌هایی برپا شد و جنگ‌هایی
میان ایشان و کفار درگرفت.»

و نیز از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: «دینی
نیست برای آن کسی تقوایی ندارد و آن کسی که تقیه
نمی‌کند ایمان ندارد! بدرستی که گرمی‌ترین شما نزد خداوند
آن کسی است که پیش از خروج قائم ما، بیشتر به تقیه عمل
کند پس کسی که عمل به تقیه را پیش از خروج قائم ما ترک
کند از ما نیست.»

منتشر شدن سلطنت حضرت مهدی علیه السلام در تمام روی زمین

سی و چهارم: سلطنت حضرت مهدی علیه السلام تمام زمین از مشرق تا مغرب، خشکی و دریا، آبادی و ویرانه و کوه و دشت فرو می‌گیرد. جایی نمی‌ماند که حکمش جاری نشود و امرش نافذ نشود. و روایات متواتر زیادی در این زمینه وجود دارد.

شیخ صدوق در کتاب «علل و عیون» و «کمال الدین» در روایتی طولانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود: «در شب معراج به ساق عرش نگاه کردم، پس دوازده نور دیدم، در هر نور خطّ سبزی بود که بر آن اسم جانشینی از جانشینان من بود اوّل آنها علی بن ابیطالب و آخر آنها مهدی امّت من است.»

گفتم: «ای پروردگار من! اینها جانشینان من هستند؟»

پس خطاب رسید: «ای محمّد! اینها اولیاء و برگزیدگان و

حجّتهای من بعد از تو بر خلق هستند و ایشان اوصیای تو و خلفای تو و بهترین خلق من بعد از تو هستند.

به عزّت و جلال خود قسم که حتماً دین خود را بوسیله ایشان ظاهر می‌کنم و کلمه خود را بلند می‌گردانم و با آخرین ایشان، زمین خود را از دشمنان خود پاک می‌کنم و او را مالک مشرقها و مغربهای زمین می‌گردانم.

و هرآینه برای او بادها را مسخّر می‌کنم و ابرهای سخت را برای او هموار گردانم و او را در راههای آسمان بالا می‌برم و او را با لشکر خودم یاری می‌نمایم و با ملائکه‌های خود به او قدرت و نیرو می‌دهم تا دعوت من بالا گیرد و مردم بر توحید من جمع شوند، آنگاه سلطنت او را دوام می‌بخشم و روزگار پادشاهی را تا روز قیامت، میان اولیای خود به نوبت قرار می‌دهم.»

در کتاب «کمال الدّین» از آن حضرت روایت است که بعد از ذکر سلطنت ذوالقرنین فرمود: «خدای تعالی بزودی سنّت او را در سلطنت حضرت قائم علیه السلام که از فرزندان من است، جاری می‌سازد و او را حاکم مشرق و مغرب زمین

می‌گرداند تا اینکه دشت و کوهی که ذوالقرنین در آن قدم گذاشته باقی نمی‌ماند مگر آنکه حضرت مهدی علیه السلام در آنجا قدم گذارد.»

و نیز حضرت باقر علیه السلام فرمود: «گویا اصحاب حضرت قائم علیه السلام را می‌بینم که مابین مشرق و مغرب را احاطه نموده‌اند.»

و در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که در تفسیر آیه شریفه «وله اسلم من فی السماوات والارض طوعاً و کرهاً و الیه یرجعون.»^۱ فرمود: «هر گاه حضرت قائم ما خروج کند، زمینی نمی‌ماند مگر آنکه در آن شهادت «لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله» را در آن ندا کنند.»

و نیز از حضرت کاظم علیه السلام در تفسیر آیه یاد شده روایت شده که فرمود: «آن آیه در حق حضرت قائم علیه السلام نازل شده است، زیرا که او یهود و نصاری و ستاره پرستان و زنادقه و

۱ - سورة آل عمران آیه ۸۳ «یعنی: تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر او تسلیم هستند و همه بسوی او بازگردانده می‌شوند.»

کفار را از مغرب و مشرق زمین بیرون می‌آورد. پس اسلام را بر آنها عرضه می‌کند و هر کس با میل و رغبت اسلام آورد او را به نماز و زکات و آنچه مسلمان را به آن امر می‌کند امر می‌فرماید؛ و به دستور خداوند بر او واجب است که هر کس اسلام نیاورد گردنش را بزند تا اینکه در مشرقها و مغربهای زمین کسی نماند مگر اینکه موحد و یکتاپرست باشد.»

راوی گفت: «فدای تو شوم! مردم بیشتر از اینها هستند.»
فرمود: «خداوند وقتی امری را اراده فرماید، زیاد را کم و کم را زیاد می‌کند.»

یوسف بن یحیی السلمی در باب نهم از کتاب «عقد الدرر» روایات بسیاری در کیفیت و چگونگی گشایشها و فتوحات حضرت و گرفتن قسطنطنیه و روم و بنی‌الاصفر و چین و کابل و جزایر و غیر آنها را بیان کرده که اینجا جای ذکر آنها نیست.

پرشدن تمام زمین از عدل و داد

سی و پنجم: تمام روی زمین از عدل و داد پر می‌شود چنانکه در کمتر خبری، الهی یا نبوی، خاص یا عام، یافت می‌شود که ذکری از حضرت مهدی علیه السلام شده باشد ولی این بشارت برای آن حضرت نیامده باشد.

در کتاب «عیون» از امام رضا علیه السلام روایت است که فرمود: «وقتی آن حضرت قیام کند، زمین از نور پروردگار روشن می‌شود و میزان عدل، میان مردم گذاشته می‌شود، آنگاه هیچ کس به کسی ظلم نخواهد کرد.»

در کتاب «کمال الدین» از امام صادق علیه السلام روایت است که در تفسیر این آیه شریفه «سیروا فیها لیالی و ایاماً آمنین»^۱ فرمود: «مراد ما، قائم اهل بیت است یعنی در زمان آن

۱ - سورة سباء آیه ۱۸ «یعنی: شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل)

حضرت هر کس در شب یا روز، هر کجا که رود، ایمن و محفوظ است.»

در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود: «به خدا قسم که آن حضرت و اصحابش جنگ می‌کنند تا اینکه خلق خدا به یگانگی خدا اقرار کنند و چیزی را برای او شریک قرار ندهند، تا جایی که پیرزن ضعیفی از مشرق، اراده رفتن به مغرب را می‌کند و احدی او را نمی‌ترساند.»

شیخ مفید در کتاب «ارشاد» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «هر گاه حضرت قائم علیه السلام قیام کند به عدل حکم می‌کند و در زمان او جور و ستم از بین می‌رود و بوسیله او راهها ایمن می‌شود و زمین برکات خود را بیرون می‌آورد و هر حقی به صاحب آن حق برمی‌گردد و هیچ اهل دینی باقی نمی‌کند مگر آنکه اظهار اسلام کند و به ایمان اعتراف نماید.»

در کتاب «کمال الدین» آمده است که ریان بن الصلت به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «آیا شما صاحب این امر هستید؟» حضرت فرمود: «من صاحب این امر هستم ولی آن کسی

نیستم که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، چنانکه از ظلم و ستم پر شده است.»

حکم کردن در میان مردم بوسیله علم امامت

و نخواستن دلیل و شاهد از کسی

سی و ششم: امام زمان علیه السلام در میان مردم بوسیله علم امامت خود حکم می‌کند و از هیچکس دلیل و شاهی نمی‌خواهد.

صفار در کتاب «بصائر الدرجات» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «هرگز دنیا به آخر نخواهد رسید مگر اینکه مردی از ما اهل بیت ظهور کند که به حکم داوود و آل داوود حکم نماید و از مردم دلیل و مدرکی نخواهد.»

در روایت دیگر فرمود: «به هر کسی، حکم او را عطا خواهد کرد.»

و نیز از آن حضرت روایت است که فرمود: «هر گاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، به حکم داوود و سلیمان حکم می‌کند و از مردم شاهی نمی‌خواهد.»

سید فضل الله راوندی در کتاب «دعوات» روایت کرده است که شخصی از امام حسن عسکری علیه السلام پرسید: «وقتی حضرت قائم علیه السلام قیام کرد به چه چیز حکم می‌کند؟»
حضرت فرمود: «هر گاه او ظهور کرد مثل حکم داوود، با علم خود در میان مردم حکم می‌کند و از مردم دلیل نمی‌خواهد.»

در «خرایج» راوندی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گویا مرغ سفیدی را بالای حجرالاسود می‌بینم و در زیر آن مردی است که به حکم داوود و سلیمان حکم می‌کند و هیچ دلیل و مدرکی نمی‌خواهد.»

شیخ مفید در کتاب «ارشاد» و فضل در کتاب «غیبت» از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: «هر گاه قائم آل محمد برخواست، میان مردم به حکم داوود، حکم می‌کند و برای حکم کردن محتاج دلیل نمی‌شود!

خدای بزرگ به او الهام می‌کند، پس آن حضرت به علم خود حکم می‌کند و به هر قومی به آنچه که در دل خود مخفی کرده‌اند، خبر می‌دهد.»

در تفسیر عیاشی روایت است که: «روز ظهور آن حضرت، جبرئیل بصورت یک مرغ سفیدی در بالای خانه خدا است.»

نعمانی در کتاب «غیبت» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «منادی آن حضرت ندا می‌دهد که این مهدی مانند داوود و سلیمان حکم می‌کند و از مردم دلیل نمی‌خواهد.»

صدوق در کتاب «کمال الدین» از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «خداوند بادی را برمی‌انگیزد که به هر وادی ندا می‌کند که: این مهدی به حکم داوود و سلیمان حکم می‌کند و بر حکم خود دلیل نمی‌خواهد.»

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «حضرت قائم، سیصد سال سلطنت می‌کند و زیاد می‌کند نه سال را همانطور که اصحاب کهف در غار خود ماندند.»

زمین را از عدل و داد پر می‌کند، چنانکه از ظلم و ستم پر شده و خداوند برای او شرق و غرب آن را فتح می‌کند.

آنقدر از مردم می‌کشد تا اینکه فقط دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم
باقی می‌ماند و به سیر و سلوک سلیمان و داوود حکم می‌کند
و آفتاب و ماه را می‌خواند پس او را اجابت می‌کند و زمین
برای او پیچیده می‌شود و به او وحی می‌شود پس به امر
خدای تعالی به وحی عمل می‌کند.»

آوردن احکام ویژه‌ای که تا زمان حضرت قائم علیه السلام

ظاهر و اجراء نشده است

سی و هفتم: آوردن احکام ویژه‌ای که تا زمان حضرت قائم علیه السلام ظاهر و اجرا نشده است. چنانکه در کتاب «کافی» و «کمال الدین» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دو خون است که از جانب خدای تعالی حلال است و احدی در آن حکم نمی‌کند تا اینکه قائم ما اهل البیت ظهور کند.

هر گاه خداوند متعال، قائم ما اهل بیت را برانگیخت، به حکم خداوند در آن حکم می‌کند و دلیل بر آن نمی‌خواهد. زناکاری که همسر دارد را سنگسار می‌کند و گردن کسی که زکات نمی‌دهد را می‌زند.»

در کتاب «خصال» از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام روایت است که فرمود: «هر گاه قائم ما ظهور کرد، به

سه حُکم، حکم می‌کند که احدی قبل از او به آنها حکم نکرده است، پیر زناکار را می‌کشد، مانع زکات را می‌کشد و به برادر از برادرش در عالم ذرّ ارث می‌دهد، یعنی هر دو نفر که در آنجا میانشان عقد اخوّت و برادری بسته شد در این جا از یکدیگر ارث می‌برند.»

نعمانی در کتاب «غیبت» از حضرت علی علیه السلام روایت کرده است که می‌فرمود: «بر من واجب بود که کسی که در جنگ پشت کرده است و فرار می‌کند را بکشم یعنی آنان که در روز جنگ مردند، و خسته مجروح را نیز بکشم ولی این کار را بخاطر عاقبت یاران خود نکردم که اگر یارانم توسط دشمنان مجروح شدند آنها را نکشند ولی بر حضرت قائم واجب است که هم پشت کننده و هم مجروح را بکشد.»

فضل بن شاذان از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «حضرت قائم علیه السلام به احکامی حکم می‌کند که بعضی از اصحابش که در پیش رویش شمشیر می‌زنند آن را انکار می‌کنند و آن حکم، حکم آدم علیه السلام است. پس آنها را نزد خود می‌خواند و دستور می‌دهد که گردن آنها را بزنند.

سپس دوباره حکمی می‌کند، پس گروهی دیگر که در

پیش روی ایشان شمشیر زده‌اند آن را انکار می‌کنند و این، قضای داوود است، پس آنها را نزد خود می‌خواند و گردن آنها را می‌زند.

برای بار سوم حکمی می‌فرماید که باز گروهی دیگر که در پیش روی حضرت شمشیر می‌زدند آن حکم را انکار می‌کنند که دوباره حضرت آنها را نزد خود می‌خواند و امر می‌فرماید که گردن آنها را بزنند.

آنگاه برای بار چهارم حکمی می‌فرماید و آن حکم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و احدی آن را انکار نمی‌کند.»
در جمله‌ای از روایات آمده است که: «آن حضرت، جزیه^۱ قبول نمی‌کند و صلیب را می‌شکند و خوک را می‌کشد.»

شیخ طبرسی در کتاب «اعلام الوری» روایت کرده است که: «آن حضرت، مرد بیست ساله‌ای که علم دین و احکام مسایل خود را نیاموخته باشد را می‌کشد.»

۱ - جزیه، پولی است که اهل کتاب می‌پردازند تا تحت سیطره حکومت اسلامی زندگی کنند.

در کتاب «مزار» محمد بن مشهدی روایت است که ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام، درباره حکم کسانی که با حضرت دشمنی و مخالفت کردند، پرسید، امام صادق علیه السلام فرمود: «ای ابومحمد! در دولت ما برای کسی که با ما مخالفت کرد، بهره و جایگاهی نیست. بدرستی که خداوند متعال خونهای آنها را هنگام خروج قائم علیه السلام حلال کرده و امروز این کار بر ما و شما حلال است. پس مواظب باش که کسی تو را مغرور نکند. هر گاه قائم ما قیام کند، انتقام پیامبرش و انتقام همه ما را خواهد گرفت.»

پیدا شدن تمام مراتب علوم

سی و هشتم: تمام علوم در زمان حضرت قائم علیه السلام بیرون می‌آید. چنانکه قطب راوندی در «خرایج» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «علم، بیست و هفت حرف است. تمام علومی که پیامبران آورده‌اند دو حرف بود و مردم تا امروز بیش از این دو حرف را نشناختند.

پس زمانی که قائم ما علیه السلام خروج می‌کند بیست و پنج حرف را بیرون می‌آورد. سپس تمام بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر می‌کند.»

شیخ صفا در «بصائر» از آن جناب روایت کرده است که فرمود: «در انتهای شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صحیفه کوچکی بود که حضرت علی علیه السلام، پسرش امام حسن علیه السلام را خواست و آن صحیفه را به او داد و فرمود: «آن را باز کن.»

امام حسن علیه السلام نتوانست آن را باز کند، پس آن را برای او

باز کرد و فرمود: «بخوان.»

پس امام حسن علیه السلام حرفی را بعد از حرفی خواند: «الف، با، سین، لام و ...»

سپس حضرت علی علیه السلام آن را بست و به پسرش امام حسین علیه السلام داد، پس او هم نتوانست آن را باز کند. حضرت علی علیه السلام آن را برای او باز کرد و فرمود: «بخوان.»

پس امام حسین علیه السلام نیز مانند برادرش، آن را به همان صورت خواند.»

سپس حضرت علی علیه السلام آن صحیفه را بست و به پسرش محمد بن حنفیه داد، او هم نتوانست آن را باز کند. پس آن را برای او باز کرد و فرمود: «بخوان.»

ولی او نتوانست چیزی از آن را بخواند.

سپس حضرت علی علیه السلام آن را گرفت و بست و بر شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آویزان کرد.»

راوی پرسید: «در آن صحیفه چه بود؟»

حضرت فرمود: «در آن حروفی بود که از هر حرفی از آن هزار درب باز می‌شود. تا کنون فقط دو حرف از آن بیرون آمده است.»

به سند دیگری از ابوبصیر روایت است که از آن حضرت پرسیده شد: «در انتهای شمشیر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه بود؟ پس به همان صورت که در روایت قبل گفته شد، بیان فرمود و ظاهراً بقیّه حروف این صحیفه نبویّه از ویژگیهای دولت مهدویّه باشد.

آوردن شمشیرهای آسمانی برای اصحاب امام زمان علیه السلام

سی و نهم: برای یاران و اصحاب امام زمان علیه السلام شمشیرهایی از آسمان آورده می‌شود. چنانکه نعمانی در کتاب «غیبت» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «هر گاه حضرت قائم علیه السلام خروج کند شمشیرهای جنگ، فرود می‌آید که بر هر شمشیری اسم مرد و اسم پدر او نوشته شده است.»

اطاعت حیوانات از یاران حضرت قائم علیه السلام

چهلیم: در آن زمان حیوانات از یاران امام زمان علیه السلام اطاعت می‌کنند. چنانکه قبلاً به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شد.

جاری شدن نهری از آب و نهری از شیر از پشت شهر کوفه

چهل و یکم: دو نهر آب و شیر از پشت شهر کوفه که محلّ سلطنت آن حضرت است از سنگ حضرت موسی علیه السلام که با ایشان است جاری می‌شود.

در کتاب «خرایج» از حضرت باقر علیه السلام روایت است که فرمود: «وقتی حضرت قائم علیه السلام خروج کند و قصد رفتن به کوفه را بنماید، منادی آن حضرت ندا می‌کند که: کسی، آب و غذا با خود حمل نکند.

و سنگ موسی را با خود حمل کنند، همان سنگی که از آن دوازده چشمه آب جاری شده بود. پس در هر منزلی که فرود می‌آیند آن را نصب می‌کنند و آن چشمه‌ها از آن جاری می‌شود.

پس هر کس گرسنه باشد سیر می‌شود و هر کس تشنه باشد سیراب می‌شود و آن سنگ توشه آنها می‌باشد تا اینکه وارد نجف (پشت کوفه) می‌شوند.

وقتی پشت کوفه فرود آمدند پیوسته آب و شیر از آن جاری می‌شود. پس هر کسی که گرسنه باشد سیر می‌شود و هر کسی که تشنه باشد سیراب می‌گردد.»

امتیاز دادن خداوند متعال به حضرت قائم علیه السلام در شب معراج
چهل و دوّم: خداوند در شب معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بعد از نشان دادن اشباح نورانی امامان معصوم علیهم السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام تا حجّت عصر علیه السلام، امتیازی برای آن امام زمان علیه السلام قائل شد به اینکه فرمود: «این قائم علیه السلام، حلال مرا حلال می‌کند و حرام مرا حرام می‌کند و ای محمّد! او از دشمنان من انتقام می‌کشد. او را دوست بدار و دوستدار کسی باش که او را دوست می‌دارد.»

فرود آمدن حضرت عیسی از آسمان برای یاری امام زمان علیه السلام

چهل و سوّم: حضرت روح الله، عیسی بن مریم علیه السلام برای یاری حضرت مهدی علیه السلام از آسمان فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند.

حسن بن سلیمان حلّی در کتاب «مختصر» آورده است که خدای تعالی در شب معراج به رسول خود فرمود: «من این لطف را به تو نموده‌ام که بیرون می‌آورم از صلب علی، یازده فرزند را که همه از ذریّه تو و فاطمه باشند، که حضرت عیسی در پشت سر آخرین آنها یعنی حضرت مهدی نماز می‌گذارد و او زمین را پر از عدل می‌کند و به واسطه او، گمراه را هدایت می‌کنم، کور را عافیت و سلامتی، و مریض را شفا می‌دهم.»

در کتاب «کمال الدّین» از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمود: «قسم به آن که مرا به پیامبری فرستاد که اگر نماند از دنیا مگر یک روز، خدا طولانی می‌کند آن روز را تا

اینکه فرزندم مهدی قیام کند و حضرت عیسی فرود می‌آید
و پشت سر او نماز می‌خواند.»

شیخ طبرسی در کتاب «اعلام الوری» از امام حسن
مجتبی علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «نیست از ما احدی
مگر آنکه در گردن او بیعت طغیان کننده زمان او باشد الا
قائمی که پشت سر او حضرت عیسی نماز می‌خواند.»

شیخ طوسی در کتاب «غیبت» از آن حضرت روایت
کرده است که به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «ای فرزند من!
به ما اهل بیت، هفت چیز داده شد که به احدی پیش از ما
داده نشد:

- ۱ - پیغمبر ما بهترین پیغمبران است و آن پدر تو است.
- ۲ - وصی ما بهترین اوصیاء است و آن شوهر تو است.
- ۳ - شهید ما بهترین شهداست و آن حمزه، عموی پدر
تو است.
- ۴ - کسی که دو بال سبز دارد و در بهشت پرواز می‌کند، از
ما است.^۱

۱ - ظاهراً اشاره به جعفر بن ابی طالب علیه السلام است.

۵ و ۶ - دو سبط این امت یعنی حسن و حسین از ما هستند.

۷ - قسم به خداوندی که خدایی جز او نیست، مهدی این امت از ما است، همان کسی که حضرت عیسی پشت سر او نماز می‌خواند.»

آنگاه دست مبارکش را بر کتف امام حسین علیه السلام گذاشت و سه مرتبه فرمود: «از این است.» یعنی از نسل امام حسین علیه السلام است.

در «کافی» روایت شده است که: روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مسرور و شادمان از خانه بیرون رفت. پس سبب آن را جویا شدند.

حضرت فرمود: «هیچ روز و شبی نیست مگر اینکه تحفه‌ای از جانب خدا برای من می‌رسد. آگاه باشید که خداوند امروز به من تحفه‌ای داده که هرگز به گذشتگان نداده است.

جبرئیل نزد من آمد و طرف پروردگارم سلام رساند و گفت: ای محمد! حضرت قائم از شماست و هرگاه خدای او را آشکار کند، حضرت عیسی پشت سر او نماز می‌خواند.»

در کتاب «کمال الدین» از امام باقر علیه السلام روایت است که سیرت اوصیاء پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را می‌فرمود و چون به آخرین آنها رسید فرمود: «دوازدهم کسی است که عیسی بن مریم در پشت سر او نماز می‌خواند.»

گنجی شافعی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که در احوال حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «آن حضرت با اصحاب خود مشغول نماز صبح است که حضرت عیسی علیه السلام فرود می‌آید.

پس حضرت بگونه‌ای برمی‌گردد تا حضرت عیسی، پیشوا شود، پس حضرت عیسی، دو دست خود را بر کتف حضرت مهدی می‌گذارد و می‌گوید: شما مقدم شوید.»

همچنین روایت است که فرمود: «شما چگونه هستید در وقتی که پسر مریم فرود آید و امام شما از خودتان باشد؟» در کتاب «عقد الدرر» از آن حضرت روایت است که فرمود: «پس حضرت مهدی آگاه می‌شود که حضرت عیسی نازل شده است و گویا از مویش آب می‌چکد. مهدی به او می‌گوید: مقدم شو و برای مردم نماز بخوان.

اما عیسی می‌گوید: این نماز مخصوص شما برپا شده است؛ پس حضرت عیسی در پشت فرزند من (حضرت مهدی علیه السلام) نماز می‌خواند و وقتی نماز تمام شد حضرت عیسی با او بیعت می‌کند.

همچنین «سدی» از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «حضرت مهدی و عیسی در هنگام نماز جمع می‌شوند، پس حضرت به عیسی می‌فرماید: پیش رو، اما عیسی می‌گوید: تو به نماز خواندن سزاوارتر هستی.

پس حضرت عیسی نماز را به حضرت مهدی اقتدا می‌کند.»

جایز نبودن هفت تکبیر بر جنازه احدی بعد از

حضرت علی علیه السلام جز بر جنازه حضرت قائم علیه السلام

چهل و چهارم: بعد از حضرت علی علیه السلام هفت تکبیر بر جنازه احدی جایز نیست مگر حضرت قائم علیه السلام. چنانکه در «بحار» در حدیث وفات آن حضرت روایت کرده است که حضرت در ضمن وصیتهای خود به امام حسن علیه السلام بعد از امر به کفن و حنوط و بردن تا جای قبر شریف، فرمود: «ای ابامحمّد! بر دیگران مقدّم شو و بر من نماز بخوان و هفت تکبیر بر من بگو، و بدانکه این عمل برای احدی غیر از من حلال نیست مگر بر مردی که در آخر الزّمان بیرون می‌آید، اسم او قائم مهدی علیه السلام و از فرزندان برادر تو حسین است و او کجی‌های حق را راست می‌کند.»

قتل دجال ملعون که از عذابهای الهی است

چهل و پنجم: قتل دجال ملعون که از عذابهای الهی برای اهل قبله است. چنانکه در تفسیر علی بن ابراهیم از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: عذاب در آیه شریفه «قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعاً و یدیق بعضکم بأس بعض»^۱ به دجال اشاره دارد، و فرمودند: «هیچ پیغمبری نیامد مگر آنکه مردم را از فتنه دجال ترساند.»

چنانکه در کتاب «کمال الدین» از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمود: «چگونه فتنه‌ای در کار نباشد در حالی که او با آن شکل و قیافه و استعداد در سال قحطی بیرون می‌آید و همه آفاق جز مکه و مدینه را سیر می‌کند.» حسن بن سلیمان حلی در کتاب «مختصر بصائر» از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «هر کس می‌خواهد با پیروان دجال بجنگد پس با کسانی بجنگد که بر

۱ - سورة انعام آیه ۶۵ «یعنی: بگو، او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا بصورت دسته‌های پراکنده، شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشاند.»

خون فلان^۱ و بر خون اهل نهروان گریه می‌کنند و بدرستی که کسی که اعتقاد داشته باشد که فلان مظلوم کشته شد وقتی خدا را ملاقات می‌کند خداوند بر او غضبناک خواهد بود و او دجال را درک می‌کند.»

شخصی پرسید: «ای امیرالمؤمنین! اگر پیش از آن بمیرد چه؟»

حضرت فرمود: «خداوند او را از قبرش، مبعوث می‌کند.» در کتاب «کمال الدین» آمده است که آن ملعون در عقبه افیق شام، به دست آن حضرت کشته می‌شود.

و نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «خداوند تبارک و تعالی، چهارده هزار سال پیش از آنکه خلق را بیافریند، چهارده نور را آفرید.»

شخصی پرسید: «ای فرزند رسول خدا! آن چهارده تن چه کسانی هستند؟»

حضرت فرمود: «محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین که آخرین آنها قائم علیه السلام است که بعد از غیبتش برمی‌خیزد و دجال را می‌کشد و زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می‌کند.»

۱ - ظاهراً اشاره به عثمان است.

پایان یافتن سلطنت ستمگران و ظالمان

چهل و ششم: به جهت وجود حضرت قائم علیه السلام، سلطنت ستمگران و ظالمان در همه دنیا از پایان پذیرفته و از بین می‌رود، زیرا دولت آن حضرت بنا بر عقیده بعضی از علما به قیامت متصل می‌شود و به عقیده بعضی دیگر به بازگشت سایر ائمه علیهم السلام منتهی می‌گردد.

بعضی نیز معتقدند که به دولت فرزندان آن حضرت متصل می‌شود، چنانکه شیخ مفید در کتاب «ارشاد» فرمود: «بعد از دولت قائم علیه السلام، دولت دیگری نیست مگر آنچه که در روایات درباره سلطنت فرزندان آن حضرت آمده که البته به طور قطعی و حتمی نرسیده است.»

بیشتر روایات این است که: «مهدی نمی‌رود مگر چهل روز قبل از قیامت»^۱

۱ - ظاهراً این روایت اشاره به رجعت دوباره حضرت مهدی علیه السلام دارد.

حضرت صادق علیه السلام مکرّر این بیت را می‌خواند:

لكل اناس دولة يرغبونها و دولتنا فی آخر الدهر تظهر^۱
و در «غیبت» نعمانی از امام باقر علیه السلام روایت شده است
که فرمود: «دولت و حکومت ما آخرین دولت است و
خاندانی نمی‌ماند مگر اینکه برای آنها دولتی است که پیش
از ما سلطنت کنند تا اینکه هرگاه که راه و روش و سلوک ما را
ببینند نگویند که اگر ما سلطنت می‌کردیم مثل سلوک این
جماعت سلوک می‌کردیم، و این سخن خدای عزوجل است:
«والعاقبة للمتقين.»^۲

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» همین خبر را به سند
صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است.

آنچه بیان کردیم نمونه‌ای از ویژگی‌ها و تشریفات الهیّه
حضرت مهدی علیه السلام بود که اندکی از مقام‌های عالی
آن حضرت علیه السلام و بزرگی سلطنت آن حضرت ظاهر می‌شود

۱ - «یعنی: برای هر گروهی از مردم، دولتی است که به آن رغبت می‌کنند و
حکومت ما در بعد از زمانی از روزگار، ظاهر خواهد شد.»

۲ - سورة اعراف آیه ۱۲۸ «یعنی: سرانجام نیک برای پرهیزگاران است.»

که کسی ندیده و نشنیده و نخواهد دید.

شیخ نعمانی در کتاب «غیبت» روایت کرده است که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا قائم متولد شده است؟»

حضرت فرمود: «نه! اگر من او را درک کنم هر آینه در طول روزهای زندگانی خود به او خدمت می‌کنم.»

و ایشان بعد از نماز ظهر برای حضرت قائم علیه السلام دعا می‌کردند. پس راوی عرض کرد: «برای خود دعا کردی؟»

حضرت فرمود: «برای نور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و سبقت گیرنده از آنها و انتقام گیرنده از دشمنان آنها دعا می‌کردم.» و نیز حضرت کاظم علیه السلام مکرر در مقام شمایل و حالات حضرت مهدی علیه السلام می‌فرمود: «پدرم فدای آن کسی که چنین است.»

در «کامل الزیارات» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که در ضمن اتفاقاتی هنگام خروج آن حضرت، فرمود: «هیچ مرده مؤمنی نمی‌ماند مگر آنکه سرور و شادی این ظهور در قبرش داخل می‌شود و این مسئله هنگامی است که در قبرهایشان به زیارت یکدیگر می‌روند و یکدیگر را به

خروج قائم علیه السلام بشارت می‌دهند.»

صدوق با همین مضمون در کتاب «کمال الدین» از حضرت علی علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «شادی و سرور بر قلب هر مؤمنی وارد می‌شود.»

شیخ نعمانی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «موسی بن عمران در سیفر (بخش) اوّل از تورات نظر کرد و آنچه از قدرت و سلطنت و فضیلت که به حضرت قائم علیه السلام داده می‌شود را خواند.

موسی گفت: «پروردگارا! مرا قائم آل محمد بگردان.»

به او گفتند: «این قائم از فرزندان احمد است.»

سپس در سیفر دوّم نگاه کرد و آن را نیز همینگونه یافت.

سپس در سیفر سوّم نگاه کرد و باز مانند همان را دید. پس

بار دیگر همان سخن را گفت و همان جواب را شنید.»

در کتاب «رأی معین» روایت شده است که حضرت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «فرزندم حسین، غریب و تنها و

تشنه، در بیابان کشته خواهد شد! کسی که او را یاری کند

بدرستی که مرا و فرزندش قائم منتظر علیه السلام را یاری نموده

است.»

در «بشارة المصطفى» از عمادالدین طبری و «تحف العقول» و بعضی نسخه‌های «نهج البلاغه» از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که به کمیل فرمود:
«ای کمیل! هیچ علمی نیست مگر آنکه من آن را باز می‌کنم و هیچ چیزی نیست مگر آنکه قائم علیه السلام آن را به پایان می‌رساند.»

همه انبیا و اوصیاء که برای پاکسازی قلبها و زیبا کردن آنها به نور ایمان و پاک کردن آنها از کثافات و عقاید پلید و اخلاق رذیله مبعوث شدند، بخاطر موانع زیاد، نتوانستند تمام اسباب را ظاهر کرده و رموز و اسرار را بیان کنند و همیشه مردم را بشارت می‌دادند و آنان را به حضرت مهدی علیه السلام و زمان سلطنت آن حضرت ارجاع می‌دادند.

پس هیچ چیز باقی نمی‌ماند مگر آنکه حضرت مهدی علیه السلام آن را بیان فرموده و به خلق می‌رساند و ایشان را بسوی خداوند می‌کشاند. چنانکه خدا در آیه و عده استخلاف و جانشینی فرموده که: «دیگر ترسی برای جانشین ما باقی نمی‌ماند که بخاطر احدی، حق را بپوشاند و مخفی کند.»

شیخ جلیل، علی بن محمد بن علی خزاز در کتاب

«کفایة الأثر» از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که به حضرت علی علیه السلام فرمود: «یا علی تو از من و من از تو هستم. تو برادر و وزیر من هستی. وقتی که من بمیرم، کینه‌ها در دل‌های هر قومی ظاهر شود و پس از من زود فتنه‌ای برپا می‌شود و هر بیگانه و نزدیکی در این فتنه داخل می‌شود و از شیعه مفقود می‌شود پنجمین از هفتمین فرزندان من (یعنی حضرت قائم علیه السلام) که اهل زمین و آسمان برای فقدان او محزون می‌شوند و بسیاری از زنان و مردان مؤمن در هنگام نبودن او حیران می‌گردند.»

آنگاه آن حضرت سر مبارک خود را کمی به زیر انداخت و بعد بالا آورد و فرمود: «پدر و مادرم فدای آن کسی باد که همنام و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است و بر او لباسهایی از نور یا لباسهایی که از شکاف آنها نور بیرون می‌زند و انوار آن مانند لؤلؤ است می‌باشد.»

شیخ طبرسی در «احتجاج» و ابن طاووس در «کشف الیقین» روایت کردند خطبه بلیغه طولانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را که در حجة الوداع در غدیر خم، در آن محضر عظیم خواندند و از جمله فقرات آن خطبه این است

که: «ای مردم! آگاه باشید که من هشدار دهنده هستم و علی هدایت کننده است.

ای مردم! همانا من پیامبرم و علی جانشین من است.
آگاه باشید که آخرین امام از ما است و او قائم مهدی می‌باشد که درود خدا بر او باد.

آگاه باشید که او آشکار کننده دین است.
آگاه باشید که او فتح کننده دژها و درهم کوبنده آنهاست.
آگاه باشید که او هلاک کننده هر قبیله‌ای از مشرکین است.

آگاه باشید که او مدرکی است برای تمام خونبهای اولیای خداوند عزوجل.

آگاه باشید که او یاری کننده دین خداست.
آگاه باشید که او بردارنده از دریای عمیق است.»
در روایت سید مجازی اینگونه آمده است: «هر صاحب فضلی به فضلش و هر صاحب جهلی به جهلش می‌باشد.
آگاه باشید که او همان کسی است که خداوند او را انتخاب و اختیار کرده است.

آگاه باشید که او ارث برنده هر علمی است که به تمام آن

علم‌ها احاطه دارد.

آگاه باشید که اوست که از پروردگار عزّوجلّش خبر می‌دهد و به مسئلهٔ ایمان او هشدار می‌دهد.

آگاه باشید که او رشید و استوار است.

آگاه باشید که او همان کسی است که تمام کارهایش را به خدا می‌سپارد.

آگاه باشید که او همان کسی است که به آنچه پیش رو دارد و انجام می‌دهد بشارت داده شده است.

آگاه باشید که او باقیماندهٔ حجّت و دلیل است و هیچ حجّت و دلیلی بعد از او نیست و هیچ حقی نیست مگر با او، و هیچ نوری وجود ندارد مگر در نزد او.

آگاه باشید که هیچ غلبه‌کننده‌ای بر او نیست و هیچ یاری‌کننده‌ای بر علیه او نیست.

آگاه باشید که او ولیّ خدا در روی زمینش است و حکم او در میان آفریدگانش، و امین او در آشکارا و پنهانی اوست.

پایان

فهرست

- مقدمه مؤلف ۵
- امتیاز نور و سایه و شبح امام زمان علیه السلام ۸
- شرافت نسب امام زمان علیه السلام ۱۲
- بردن امام زمان علیه السلام در روز ولادت به سراپرده عرش ۱۳
- دارابودن خانه‌ای به نام بیت الحمد ۱۴
- جمع میان کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اسم مبارک آن حضرت ۱۵
- حرمت بردن نام امام زمان علیه السلام ۱۵
- آخرین وصایت حجت در روی زمین ۱۵
- سپرده شدن به روح القدس ۱۶
- معاشرت و همنشینی نکردن با کفار و منافقین و اهل فسق ۱۷
- نبودن بیعت احدی از ستمگران برگردنش ۱۹
- داشتن علامتی مانند علامت ختم نبوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ۲۱
- القاب متعدد حضرت مهدی علیه السلام ۲۱
- ظهور نشانه‌های عجیب و غریب آسمانی و زمینی ۲۲
- ندای آسمانی با اسم حضرت حجت علیه السلام همزمان با ظهور ۲۴

- ۲۸ گُند شدن و از سرعت افتادن حرکت سریع افلاک
- ۳۱ آشکار شدن کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۳۵ سایه انداختن ابری سفید بر سر مبارک امام زمان علیه السلام
- ۳۶ قرار داشتن ملائکه و اجنه در لشکر حضرت مهدی علیه السلام
- ۳۹ جوان ظاهر شدن امام زمان علیه السلام
- ۴۴ از بین رفتن وحشی‌گری و نفرت از میان حیوانات
- ۴۶ حاضر بودن جمعی از مردگان در رکاب امام زمان علیه السلام
- ۴۹ خارج شدن گنجها و ذخیره‌های زمین
- ۵۱ زیاد شدن باران و درختان میوه و سایر نعمتهای زمین
- ۵۸ کامل شدن عقل مردم و به آخرین حدّ خود رسیدن علوم
- ۶۳ قوت دیدگان و گوشهای امام زمان علیه السلام و اصحاب آن حضرت
- ۶۴ طول عمر اصحاب و انصار امام زمان علیه السلام
- ۶۶ رفتن سختی‌ها و بلاها از بدنهای یاران امام زمان علیه السلام
- ۶۸ دادن نیروی چهل مرد به هر یک از یاران امام زمان علیه السلام
- ۷۱ غنی شدن خلق به نور حضرت مهدی علیه السلام
- ۷۴ همراه بودن پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله با امام زمان علیه السلام
- ۷۷ زره رسول خدا علیه السلام فقط اندازه قدّ شریف حضرت قائم علیه السلام است
- ۸۰ ابر مخصوص حضرت قائم علیه السلام که در آن رعد و برق است
- ۸۲ برداشته شدن تقیه و ترس از کفار و مشرکان و منافقان

- منتشر شدن سلطنت حضرت مهدی علیه السلام در تمام روی زمین ۸۶
- پرشدن تمام زمین از عدل و داد ۹۰
- حکم کردن در میان مردم بوسیله علم امامت و نخواستن دلیل و شاهد از کسی ۹۳
- آوردن احکام ویژه‌ای که تا زمان حضرت قائم علیه السلام ظاهر و اجراء نشده است ۹۷
- پیدا شدن تمام مراتب علوم ۱۰۱
- آوردن شمشیرهای آسمانی برای اصحاب امام زمان علیه السلام ۱۰۴
- اطاعت حیوانات از یاران حضرت قائم علیه السلام ۱۰۴
- جاری شدن نهري از آب و نهري از شیر از پشت شهر کوفه ۱۰۵
- امتیاز دادن خداوند متعال به حضرت قائم علیه السلام در شب معراج ۱۰۷
- فرود آمدن حضرت عیسی از آسمان برای یاری امام زمان علیه السلام ۱۰۸
- جایز نبودن هفت تکبیر بر جنازه احدی بعد از حضرت علی علیه السلام جز بر جنازه حضرت قائم علیه السلام ۱۱۳
- قتل دجال ملعون که از عذابهای الهی است ۱۱۴
- پایان یافتن سلطنت ستمگران و ظالمان ۱۱۶

مراکز پخش مجموعه کتب گل نرگس (عج)

- آمل:** جنب یل معلق، کتابفروشی شهید مطهری ت: ۲۲۹۱۸۹۹
- اهواز:** خیابان حافظ، کتابفروشی رشد تلفن: ۲۲۱۷۰۰۰
- اصفهان:** میدان شکرشکن، فرهنگسرای الزهراء تلفن: ۲۲۹۱۸۹۹
- اصفهان:** چهارراه کرمانی، خیابان حافظ، کتابفروشی دفتر تبلیغات تلفن: ۲۲۲۶۱۸۱
- اردبیل:** خیابان امام خمینی جنب مرکز پیش دانشگاهی مدرّس نمایشگاه دائمی کتاب معاونت پرورشی
- بندرعباس:** بلوار امام خمینی، جنب شهرداری مرکزی کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی
- بوشهر:** خیابان فلکه امام خمینی، کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی
- تبریز:** خیابان جمهوری اسلامی بازار شمس تبریزی، کتابفروشی شهید مدنی تلفن: ۵۵۶۶۶۹۰
- جهرم:** خیابان آیت الله کاشانی جنب شهرداری، مجتمع فرهنگی شهید مصّلی نژاد، تلفن: ۴۴۹۱۲۰
- خرّم آباد:** خیابان آیت الله کمال وند، طبقه فوقانی سینما استقلال، کتابفروشی سازمان تبلیغات
- دزفول:** خیابان شریعتی، نمایشگاه کتاب معراج تلفن: ۵۲۵۱۳۷۵
- رفسنجان:** خیابان شهید بهشتی، شرکت تعاون اسلامی، دارالقرآن ولّیّ عصر (عج)
- رشت:** خیابان مطهری، کتابفروشی سازمان تبلیغات
- ساری:** خیابان انقلاب، کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی / کتابفروشی رسالت تلفن: ۲۲۳۷۴۳
- ساوه:** میدان امام روبروی فرمانداری، فروشگاه سازمان تبلیغات اسلامی
- سبزوار:** خیابان بیهق، جنب مدرسه علمیّه شریعتمدار، کتابفروشی سپاه تلفن: ۲۲۳۷۱۶۵
- شیراز:** حرم شاهچراغ، کتابفروشی شاهچراغ تلفن: ۲۲۲۱۹۱۶
- شوش دانیال:** خیابان امام خمینی، روبروی کتابخانه فجر، فروشگاه کتاب کوثر
- شوشتر:** خیابان جدید، کتاب شهر تلفن: ۴۳۷۵۰۶
- شهرکرد:** خیابان ولّیّ عصر، چهارراه بازار، کتابفروشی سازمان تبلیغات
- فریدونکنار:** انتهای پاساژ قائم، مؤسسه فرهنگی والفجر
- قزوین:** کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی
- کرمان:** خیابان مطهری، کتابفروشی علیّ بن ابیطالب
- کرج:** خیابان شهید بهشتی، جنب بیمه تامین اجتماعی، بوستان کتاب
- کازرون:** خیابان شهداء شمالی، کتابفروشی شاه امیری
- لار:** مؤسسه فرهنگی وزمندگان اسلام
- مشهد:** چهارراه شهداء، خیابان آزادی پلاک ۴۲۴ تلفن: ۲۲۱۰۴۴۹
- یزد:** خیابان صفاتیّه، عدالت ۱۱، کتابفروشی میلاد نور
- یزد:** بلوار امامزاده جعفر، فروشگاه فرهنگی آستان امامزاده جعفر
- یاسوج:** میدان مفت تیر، جنب مدرسه فرهنگیان، نمایشگاه کتاب مطهری

و قیامت (۶۰۰ تومان)
 سیاحت غرب (گزارشی عجیب از سیر روحی آقا
 نجفی قوچانی پس از مرگ) (۲۰۰ تومان)
 عجایب و معجزات شگفت انگیزی از
 ۱۴ معصوم علیهم السلام (۱۲ جلد، هر جلد ۵۵۰ تومان)
 عجایب و معجزات شگفت انگیزی از اولیاء خدا
 (۵۵۰ تومان)
 گزارشاتی عجیب از محل زندگی فرزندان
 امام زمان علیه السلام (۵۵۰ تومان)
 ملاقات علمای بزرگ اسلام با امام زمان علیه السلام
 (۵۵۰ تومان)
 شفا یافتگان و نجات یافتگان امام زمان علیه السلام
 (۵۵۰ تومان)
 شگفتی‌ها و عجایب دنیا در بعد از ظهور
 امام زمان علیه السلام (۵۵۰ تومان)
 چگونگی ملاقات با امام زمان علیه السلام در بیداری
 و خواب (۵۵۰ تومان)
 آیا ظهور نزدیک است؟! (۱۰۰۰ تومان)
 خواسته‌ها و ناخواسته‌های الهی در عقاید و گفتار
 (۵۵۰ تومان)
 خواسته‌ها و ناخواسته‌های الهی در اعمال و کردار
 (۵۵۰ تومان)
 ما امام زمان را دیده‌ایم؟ (۸۰۰ تومان)
 اسرار موفقیت در درس و امتحانات (۶۰۰ تومان)
 فالنامه حافظ (۳۰۰ تومان)

تعبیر خواب انمه علیه السلام (۷۰۰ تومان)
 تعبیر خواب ابن سیرین (۷۰۰ تومان)
 کلیدهای ارتباط با خدا (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای ارتباط با امام حسین علیه السلام (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای ارتباط با امام زمان علیه السلام (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای ثروتمند شدن (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای ازدیاد رزق و روزی (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای اداء قروض و بدهکاری‌ها (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای عجایب و شگفتی‌ها (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای شفای امراض و بیماری‌ها (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای حفظ از بلاها و بدیها (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای آرزوها و حاجات (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای بهشت و ثوابهای الهی (۲۰۰ تومان)
 کلیدهای بخشش گناهان و نجات از عذابها
 (۲۰۰ تومان)
 داستانهای شگفت آوری از غلبه بر شهوت (۵۵۰ تومان)
 داستانهای شگفت آوری از عاقبت هوسرانی و
 شهوترانی (۵۵۰ تومان)
 بهترین راه ارضاء و کنترل نیاز جنسی برای
 جوانان و...؟! (۳۰۰ تومان)
 زیباداستانهایی از زنان (۵۵۰ تومان)
 زیباداستانهایی از زنان بهشتی (۵۵۰ تومان)
 بهشت و حوریان بهشتی (۵۰۰ تومان)
 جهنم و عذابهای جهنمی (۵۰۰ تومان)
 داستانها و مطالب تکان دهنده‌ای از عالم برزخ

• علاقمندان به تهیه کتابهای فوق می‌توانند با مراجعه به کتابفروشی‌های معتبر و یا با واریز مبلغ هر کتاب به شماره حساب جاری ۲۹۶۲، بنام سید محمد طباطبائی نزد بانک ملی شعبه حجته کد ۲۷۱۱، و ارسال اصل حواله به آدرس: قم - صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۳۸۹۱ - مرکز پخش گل نرگس، کتاب یا کتابهای مورد نظر خود را دریافت نمایند. (هزینه پست کتابها بر عهده مرکز پخش می‌باشد) تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۲۰۸۳